

رویه قضایی فرانسه و اجرای آرای داوری ابطال شده در محل صدور

دکتر محمدعلی بهمنی *

فیض الله جعفری **

چکیده

یکی از مباحث داوری تجاری بین‌المللی، راجع به اثر حکم ابطال رای داوری در دادگاه کشور مبدا است. دو دیدگاه متفاوت در این خصوص مطرح است؛ دیدگاه نخست قائل به اثر فراسرزمینی حکم ابطال بوده، و دیدگاه دیگر اعتقاد به اثر سرزمینی آن دارد. در صورتی که دیدگاه اخیر پذیرفته شود، رای داوری با وجود ابطال آن در کشور مبدا قابل اجرا در سایر کشورها خواهد بود. رویه قضایی فرانسه از دیدگاه اخیر پیروی کرده و آرای داوری ابطال شده در محل صدور را اجرا می‌کند. در این مقاله سعی بر این است که مبانی توجیهی رویه قضایی فرانسه به همراه قضایای مطرح شده در این خصوص مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژگان

رای داوری، حکم ابطال، اثر سرزمینی، اثر فراسرزمینی، رویه قضایی.

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی.

۱- مقدمه

موضوع جالبی که مدت‌ها ذهن علما و حقوق‌دانان را به خود مشغول ساخته، ماهیت و اثر حکم ابطال رای داوری توسط دادگاه مبدا است. پرسش اصلی این است که «آیا تصمیم دادگاه مبدا مبنی بر ابطال رای داوری برای دادگاه‌های سایر کشورها اثر الزام‌آور دارد؟»، یا این که حکم مزبور اثر سرزمینی داشته و صرفاً در داخل مرزهای کشور متبوع دادگاه واجد اثر و الزام است؟

در صورتی که حکم ابطال رای اثر سرزمینی داشته باشد، صرفاً نسبت به دادگاه‌های محل صدور موثر بوده و الزامی برای دادگاه‌های سایر کشورها ایجاد نمی‌کند و بدین ترتیب دادگاه‌های کشورهای دیگر می‌توانند دستور اجرای آن را صادر نمایند. اما اگر برای حکم ابطال رای داوری اثر فراسرزمینی قائل باشیم، در آن صورت در دادگاه‌های سایر کشورها نیز موثر بوده و لذا رای داوری ابطال شده در هیچ کشوری قابل اجرا نخواهد بود.

در صورت ابطال رای در کشور مبدا^۱ طبیعی و مسلم است که نمی‌توان رای مزبور را در همان کشور اجرا کرد. بدیهی است که وقتی دادگاه یک کشور بر اساس معیارها و اصول قانونی، حکم ابطال یک رای را صادر می‌کند، دستور اجرای آن رای را به هیچ وجه صادر نخواهد کرد، چرا که پس از ابطال، دیگر موجودیت رای را قبول نخواهد داشت. از طرف دیگر حتی اگر بر حسب یک نظر، حکم ابطال رای را فاقد اثر فراسرزمینی و بین‌المللی بدانیم، در وضعیت کنونی کسی منکر اثر سرزمینی آن نیست. اما در خصوص اثر ابطال رای داوری بر اجرای آن در دیگر کشورها، بحث و نظر بیش‌تر و اختلاف دیدگاه‌ها مشهود است.

۱. کشوری که رای داوری در آن یا به موجب قانون آن صادر شده است.

طبق دیدگاه سنتی و به‌عنوان یکی از نتایج محلی کردن داوری و تئوری مقرر، رای داوری نیروی الزام‌آور خود را ضرورتاً باید از یک نظام حقوقی ملی کسب کند و آن نظام لزوماً نظام حقوقی مقرر داوری است. اگر نظام حقوقی مقرر داوری، یعنی همان کشور محل صدور، رای صادره را نهایی و الزام‌آور بداند، رای مزبور در کشورهای دیگر قابل اجرا خواهد بود.

هم‌چنین نظام قضایی و صلاحیت دادگاه‌های کشور محل صدور رای نیز جزئی از نظام کلی حقوقی آن کشور محسوب می‌شود. در صورتی که دادگاه‌های مقرر داوری که صلاحیت ابطال آرای داوری صادره در آن کشور را دارند، بر طبق قانون حکم بر ابطال رای صادر نمایند، از نظر نظام حقوقی مقرر، رای مزبور موجودیت و اعتبار خود را از دست می‌دهد و لذا قابلیت اجرا در آن کشور و کشورهای دیگر نخواهد داشت.

دیدگاه سنتی یا سرزمینی بر این منطق استوار است که هر کشوری اختیار دارد نسبت به اداره و تنظیم هر آنچه در سرزمین‌اش اتفاق می‌افتد، اقدام کند و طرفین با تصمیم به رجوع به داوری در سرزمین خاص، خودشان را تابع آن سرزمین قرار می‌دهند.^۲

در مقابل، رویکرد غیرمحلی کردن داوری، اعتبار رای داوری را مستقل از نظام حقوقی مقرر می‌داند و به آن استقلال می‌بخشد. بر طبق این نظر، رای داوری صرف‌نظر از دیدگاهی که دادگاه‌های مقرر نسبت به آن دارند، الزام‌آور و قابل اجراست. بنابراین ابطال رای در دادگاه‌های مبدا، نمی‌تواند مانع اجرای آن در سایر کشورها گردد.

پذیرفتن دیدگاه اخیر، از این جهت در راستای حذف نقش دادگاه مقرر محسوب می‌گردد که اثر بین‌المللی و فرا سرزمینی حکم ابطال دادگاه مقرر را از بین برده و برای آن صرفاً اثر سرزمینی قائل است. زمانی که حکم دادگاه مقرر مبنی بر ابطال رای داوری، در

2. Kenneth, R. Davis, "Unconventional Wisdom: A New Look at Articles V and VII of the Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards", in: Texas International Law Journal, Vol. 37, 2002, p. 43.

خارج از مرزهای خود فاقد اثر باشد، از اثرگذاری نظارت قضایی دادگاه مزبور نسبت به داوری بین‌المللی، به مقدار قابل توجهی کاسته می‌شود. در مقاله‌ی حاضر، ابتدا مبانی نظری و حقوقی جواز اجرای آرای داوری ابطال شده بیان می‌گردد؛ سپس میزان پذیرش آن در رویه‌ی قضایی فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و نهایتاً به نقد و بررسی رویکرد مزبور و مطلوبیت آن پرداخته می‌شود.

۲- مبانی قانونی

در این گفتار بر اساس قانون داخلی فرانسه و کنوانسیون‌های لازم‌الاجرا در آن کشور، مبانی جواز اجرای آرای داوری ابطال شده بیان می‌گردد. در این خصوص، قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه (۱-۲)، کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ (۲-۲) و کنوانسیون ژنو ۱۹۶۱ (۳-۲) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- قانون جدید آیین دادرسی مدنی

یکی از مبانی مورد استناد رویه‌ی قضایی فرانسه برای اجرای آرای داوری خارجی که در کشور مبدأ حکم ابطال آن صادر شده است، مواد مرتبط با موضوع در قانون جدید آیین دادرسی مدنی این کشور است. استدلال این است که بر طبق ماده‌ی ۱۵۰۲ قانون جدید آیین دادرسی مدنی، ابطال رای داوری در کشور مبدأ جزو مبانی امتناع از شناسایی و اجرای رای خارجی در فرانسه محسوب نمی‌شود. مطابق ماده‌ی مزبور «اعتراض به تصمیم دادگاه مبنی بر شناسایی و اجرای رای صرفاً بر اساس مبانی ذیل ممکن است:

- ۱- اگر داور تصمیم خود را در نبود موافقت‌نامه‌ی داوری یا بر مبنای موافقت‌نامه‌ی داوری که باطل بوده یا خاتمه یافته، صادر کرده باشد؛
- ۲- اگر دیوان داوری بر خلاف مقررات تشکیل شده یا داور واحد بر خلاف مقررات انتخاب شده باشد؛
- ۳- اگر داور تصمیم خود را بر طبق اختیار اعطا شده به او صادر نکرده باشد؛

۴- اگر فرایند صحیح رسیدگی رعایت نشده باشد؛

۵- اگر شناسایی یا اجرا خلاف نظم عمومی بین‌المللی باشد.^۳

بر این اساس، چنان‌چه رای داوری تجاری بین‌المللی در دادگاه کشور مبدا ابطال گردیده ولی محکوم‌له آن رای، در فرانسه درخواست اجرا کند، دادگاه فرانسه، در صورت احراز سایر شرایط، دستور اجرا صادر خواهد کرد. لذا در صورتی که محکوم‌علیه رای داوری، به دستور اجرا اعتراض داشته و تقاضای رد اجرا بنماید، دادگاه باید بر طبق این ماده درخواست وی را رد کند.

۲-۲- کنوانسیون نیویورک^۴

مهم‌ترین توضیحات و استدلالات در جهت تجویز اجرای آرای داوری ابطال شده، به کنوانسیون نیویورک درخصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی ۱۹۵۸ مستند شده است. به عبارتی این کنوانسیون به مثابه ابزار مهمی در راه تسهیل این توجیه، مورد

3. Article 1502 of French New Code of Civil Procedure: "Appeal of a court decision granting recognition or enforcement is only available on the following grounds:

- (1) if the arbitrator has rendered his decision in the absence of an arbitration agreement or on the basis of an arbitration agreement that is invalid or that has expired;
- (2) if the arbitral tribunal was irregularly constituted or the sole arbitrator irregularly appointed;
- (3) if the arbitrator has not rendered his decision in accordance with the mission conferred upon him;
- (4) if due process has not been respected;
- (5) if recognition or enforcement is contrary to international public policy".

4. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards of June 10, 1958 (the New York Convention).

استفاده قرار می‌گیرد.

فرانسه در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۵۸ کنوانسیون نیویورک را امضا، و در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۵۹ آن را تصویب کرده است. بر این اساس در مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۵۹ کنوانسیون نیویورک نسبت به کشور فرانسه لازم‌الاجرا شده است.

کنوانسیون نیویورک، یک کنوانسیون جامع درباره‌ی داوری نیست، بلکه چنان‌که از نام آن پیداست، موضوع آن مربوط به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی است، که البته قواعدی راجع به اجرای موافقت‌نامه‌ی داوری نیز در خود جای داده است.

آن‌چه هدف اصلی و اولیه‌ی کنوانسیون است، به نقش معاضدتی دادگاه‌ها مربوط می‌شود. کنوانسیون دو نقش اساسی و مهم بر عهده‌ی دادگاه‌های کشورهای عضو قرار داده است؛ اجرای موافقت‌نامه‌ی داوری از طریق ارجاع طرفین دعوا به داوری؛^۵ شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی یا آرای که در کشور محل اجرا داخلی تلقی نمی‌گردند.^۶

نقش نظارتی دادگاه در کنوانسیون نیویورک، نظارت بر رای داوری و امتناع از شناسایی و اجرای رای در صورت وجود یکی از مبانی موجود در ماده‌ی ۵ کنوانسیون است. این نقش تنها موردی است به دادگاه‌های کشور مقصد واگذار شده است. در صورتی که دادگاه محل اجرا یکی از مبانی مذکور در ماده‌ی ۵ کنوانسیون را در رای داوری مشاهده کند یا توسط خوانده برای دادگاه اثبات گردد، دادگاه می‌تواند از شناسایی و اجرای رای مزبور خودداری کند. این تمهید نوعی نظارت و کنترل قضایی بر آرای داوری محسوب می‌شود که توسط دادگاه کشور مقصد اعمال می‌گردد.

چنان‌چه از دیدگاه نظریه‌ی غیرمحملی کردن که یکی از مبانی نظری جواز اجرای آرای داوری ابطال شده به‌شمار می‌آید، حذف این نظارت یا کاستن از شدت آن درخواست شود، بر اساس متن کنوانسیون، مسیر مناسبی برای آن وجود دارد. به این ترتیب

۵. ماده‌ی ۲ کنوانسیون نیویورک.

۶. ماده‌ی ۱(۱) کنوانسیون نیویورک.

که اعمال اختیار دادگاه در ماده‌ی ۵ را تخییری بدانیم نه اجباری. در عین حال اگر آرای غیرملی نیز مشمول رژیم اجرایی کنوانسیون نیویورک قرار بگیرد، باز هم نظام کنوانسیون، در راستای غیرمحملی کردن داوری حرکت کرده و تاییدی بر آن محسوب می‌گردد. برخی از توجیهات مستند به کنوانسیون نیویورک مبتنی بر متن و تفسیر لفظی آن است و برخی دیگر ناشی از تفسیر غایی و حاوی استدلالات پیرامونی راجع به آن می‌باشد. در این مورد استدلال اصلی راجع به دو ماده‌ی پنج و هفت کنوانسیون است.

۱-۲-۲- ماده‌ی پنج کنوانسیون

آنچه در مورد ماده‌ی ۵ و در نسخه‌ی انگلیسی آن قابلیت توجه دارد، لحن اختیاری و غیرامری این ماده است؛ به تعبیر دیگر حتی در صورت اثبات مبانی امتناع از شناسایی و اجرای رای، بر اساس ظاهر حکم ماده، دادگاه اختیار دارد که از شناسایی و اجرای رای ابطال شده، امتناع کند یا نکند. مطابق ماده‌ی ۵ کنوانسیون، طرف‌داران جواز اجرای آرای داوری ابطال شده، معتقداند که این ماده در فرض وجود یکی از موانع و مبانی مذکور در آن، دادگاه مقصد را مکلف به امتناع از اجرا نمی‌کند، بلکه به آن اختیار می‌دهد، چرا که ماده‌ی ۵ کنوانسیون در نسخه‌ی انگلیسی خود از کلمه‌ی «may» استفاده کرده است و نه مثلاً از کلمه‌ی «shall» یا «will». ^۷ در سه نسخه‌ی دیگر کنوانسیون یعنی نسخه‌های چینی، روسی و اسپانیولی ^۸ نیز، ماده‌ی پنج متضمن اختیار است. بنابراین دادگاه کشور محل درخواست

7. Art. V(1) of New York Convention (English): "Recognition and enforcement of the award may be refused, at the request of the party against whom it is invoked, only if that party urnishes to the competent authority where the recognition and enforcement is sought, proof that: ... (e) The award ... has been set aside or suspended by a competent authority of the country in which, or under the law of which, that award was made. ...".

۸. مطابق ماده‌ی (۱) ۱۶، کنوانسیون نیویورک به پنج زبان در پنج نسخه تهیه و تدوین شده است که همه‌ی نسخ دارای اعتبار واحد هستند: چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیولی.

اجرا، حتی با وجود اثبات یکی از موانع اجرا، مختار است که نسبت به صدور دستور اجرا اقدام نماید. به این ترتیب هرچند ابطال رای داوری در کشور مبدا یکی از مبنای امتناع از اجراست،^۹ ولی نظر به اختیار مذکور در صدر ماده ۵، دادگاه مکلف به امتناع از اجرا نیست. به گفته‌ی یکی از نویسندگان، ماده ۵ از این جهت امری است که رد درخواست اجرا را به استناد مبنایی غیر از مبنای مذکور در آن ماده منع می‌کند. اما اثبات وجود یکی از مبنای مذکور در ماده ۵ تنها به دادگاه کشور محل اجرا، حق می‌دهد از شناسایی و اجرای رای خودداری کند ولی اجباری در کار نیست، بلکه در چنین وضعیتی امتناع و رد اجرا اختیاری است.^{۱۰}

آنچه در این باره بحث انگیز شده، متن ماده‌ی پنج در نسخه‌ی فرانسوی کنوانسیون است. ظاهراً این نسخه بر خلاف نسخه‌های دیگر، دادگاه اجرا کننده را مختار ندانسته است.^{۱۱} در واقع برخلاف متن انگلیسی کنوانسیون که مقرر می‌دارد در صورت اثبات یکی از مبنای مذکور در ماده ۵ «شناسایی و اجرا ممکن است (می‌تواند) رد شود صرفاً اگر...»، در متن فرانسوی کنوانسیون آمده است «شناسایی و اجرا رد نخواهد شد، مگر...». بنابراین نسخه‌ی فرانسوی، واجد بیان اختیاری متن انگلیسی کنوانسیون نیست.^{۱۲} در مقام تحلیل و

۹. ماده‌ی V(1)(e) کنوانسیون.

10. Roy, Goode, "The Role of The Lex loci Arbitri in International Commercial Arbitration", in: Arbitration International, Vol. 17, No. 1, 2001, p. 22.

11. Art. V(1) of New York Convention (in French): "La reconnaissance et l'exécution de la sentence ne seront refusées, sur requête de la partie contre laquelle elle est invoquée, que si cette partie fournit à l'autorité compétente du pays où la reconnaissance et l'exécution sont demandées la preuve: ... e) Que la sentence ... a été annulée ou suspendue par une autorité compétente du pays dans lequel, ou d'après la loi duquel, la sentence a été rendue. ...".

12. Cf. Schwartz, E., "A Comment on Chromalloy-Hilmarton, à l'américaine", in: Journal of International Arbitration, Vol. 14, No. 2, 1997, p. 125.

بحث، بعضی از نویسندگان تلاش کرده‌اند تا متن و عبارت فرانسوی کنوانسیون را هماهنگ با متن انگلیسی آن تفسیر کرده و آن را نیز حاوی اختیار بدانند.^{۱۳} به اعتقاد گایار، «برای خواننده‌ی فرانسوی غیرممکن نیست که به ماده‌ی ۵(۱) کنوانسیون به دیده‌ی تخییری بنگرد، ... در واقع ماده‌ی ۷ این تفسیر را تایید کرده و تردیدی باقی نمی‌گذارد که قصد تدوین‌کنندگان کنوانسیون، صرفاً ایجاد حداقل شرایط برای شناسایی رای بوده است و به هر دو کشور اختیار داده شده تا سهل‌گیرانه‌تر عمل کنند».^{۱۴} هم‌چنین روی‌گود، که اصرار به تخییری بودن ماده‌ی ۵ کنوانسیون دارد، از این که بحث‌های زیادی در خصوص اختیاری یا اجباری بودن رد اجرای رای در گرفته است، متعجب شده و می‌نویسد: «مایه‌ی شگفتی است که بسیاری از نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که به رغم وجود مبنایی برای امتناع در ماده‌ی ۵، به این دلیل اختیار صدور دستور اجرا وجود دارد که از کلمه‌ی «shall» استفاده نشده است. این را صرفاً می‌توان به عدم آشنایی با تفاوت زبان انگلیسی حمل کرد. اگر کلمه‌ی «shall» مورد استفاده قرار می‌گرفت، اثر تخییری ماده‌ی ۵ ذره‌ای تغییر نمی‌کرد، زیرا آن کلمه را نه به تنهایی، بلکه همراه با کلمه‌ی «only» باید خواند. بنابراین عبارت این گونه می‌شد: "شناسایی و اجرای رای رد خواهد شد، ... صرفاً اگر ..."؛ که معنایی بیش‌تر از این ندارد که دادگاه‌های کشور محل اجرا، اجرا را رد نخواهند کرد / نمی‌توانند رد کنند، مگر این که یکی از مبانی مذکور برای چنین کاری وجود داشته باشد. آن جمله به این معنا نیست که اگر چنین مبنایی وجود داشت، دادگاه نباید رای را اجرا کند».^{۱۵}

13. Paulsson, Jan, "May or Must under the New York Convention: An Exercise in Syntax and Linguistics", in: Arbitration International, Vol. 14, No. 2, 1998.

14. Gaillard, Emmanuel, "The Enforcement of Awards Set Aside in the Country of Origin", in: ICSID Review: Foreign Investment Law Journal, Vol. 14, 1999, pp. 32-33.

15. Roy, *op. cit.*, pp. 22-23, footnote. 9.

در مقابل یکی دیگر از حقوق‌دانان دیدگاه مخالف دارد و معتقد به ماهیت امری ماده‌ی ۵ کنوانسیون است.^{۱۶} به اعتقاد ایشان یک قرائت جدی از کنوانسیون بیان‌گر این است که کنوانسیون به دیده‌ی تعارف به آرای خارجی می‌نگرد. در واقع ماده‌ی ۵ کنوانسیون، با بیان این که اجرای رای «ممکن است رد شود» تایید‌کننده‌ی یک هنجار و قاعده‌ی ایجابی و مثبت است (مانند این جمله که شخص می‌تواند به دستورهای وجدانش عمل کند)، نه یک انتخاب اختیاری که دو سوی انتخاب بر هم ترجیح ندارند (مانند این جمله که شما می‌توانید شکلات یا وانیل سفارش دهید). در واقع منظور ایشان این است که گاهی استفاده از لفظ اختیاری، برای تعارف و احترام بوده و در واقع بیان‌گر امر و دستور است؛ و لفظ کنوانسیون نیز از این نوع است.

ایشان هم‌چنین در حمایت از تفسیر امری بودن ماده‌ی ۵ کنوانسیون، به دو قرینه در همین ماده تمسک می‌جوید: یکی این که مبنای مذکور در بند «e» پاراگراف ۱ ماده‌ی ۵، در بین مبانی دیگری جا گرفته است که آشکارا رای را غیرقابل اجرا می‌گردانند؛ از جمله بطلان موافقت‌نامه‌ی داوری، تجاوز از اختیارات و عدم رعایت اصول رسیدگی، که با وجود اثبات آن‌ها نمی‌توان پذیرفت که رای اجرا شود. دیگر این که در پاراگراف دوم ماده‌ی ۵ نیز از لفظ اختیاری «may» استفاده شده است، یعنی در خصوص مخالفت رای با نظم عمومی و غیرقابل داوری بودن موضوع. این در حالی است که اهمیت این دو مبنا به حدی است که حتی نیاز به استناد توسط محکوم علیه ندارند و دادگاه راسا می‌تواند به آن‌ها توجه کند و با وجود آن دو مبنا، اجرای رای غیراصولی و غیرمنطقی به نظر می‌رسد.^{۱۷}

گذشته از مباحث فوق، آنچه مسلم است این که تمام دادگاه‌های فرانسه که حکم به جواز اجرای آرای ابطال شده صادر کرده‌اند، به عبارت اختیاری ماده‌ی ۵(۱) کنوانسیون

16. Park, William W., "Duty And Discretion in International Arbitration", in: American Journal of International Law, Vol. 93, 1999, p. 812.

17. *Ibid.*

نیویورک استناد کرده و آرای داوری ابطال شده را اجرا نموده‌اند.

۲-۲-۲- ماده‌ی هفت کنوانسیون

یکی دیگر از مواد کنوانسیون نیویورک که در راستای توجیه اجرای آرای داوری ابطال شده به کار می‌رود، پاراگراف یک ماده‌ی ۷ است. طبق این ماده که به «مقرره‌ی حق مساعدتر» معروف شده است، هرگاه در کشور محل اجرا، قانون داخلی یا معاهده‌ی قابل اجرایی وجود داشته باشد که شرایط مذکور در آن در خصوص اجرای رای داوری، مناسب‌تر، سهل‌تر یا مساعدتر از شرایط کنوانسیون نیویورک باشد، خواهان اجرا می‌تواند به آن قانون یا معاهده استناد کرده و بر اساس آن درخواست اجرا نماید، و این دادگاه مکلف است مطابق درخواست خواهان، نسبت به اجرای رای (امکان یا عدم امکان آن) تصمیم‌گیری نماید.

ماده‌ی ۱۵۰۲ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه یکی از مصادیق واقعی و بارز ماده‌ی ۷ کنوانسیون نیویورک است. اگر ماده‌ی ۷ کنوانسیون در کنار ماده‌ی ۱۵۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار گیرد، یکی از مبانی جواز اجرای آرای داوری ابطال شده فراهم می‌شود. چنانچه محکوم‌له رای داوری خارجی که در دادگاه مبدا ابطال شده است، در فرانسه درخواست اجرای آن را مطرح کند، به موجب ماده‌ی ۷ کنوانسیون نیویورک، می‌تواند به قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه استناد کند. در این صورت ماده‌ی ۱۵۰۲ قانون اخیر نسبت به ماده‌ی ۵ کنوانسیون نیویورک «مقرره‌ی مساعدتر» محسوب شده و دادگاه باید بر اساس این قانون نسبت به اجرای رای تصمیم بگیرد.

بر خلاف مواد ۵ و ۶ کنوانسیون نیویورک که با بیانی اختیاری تنظیم شده‌اند، در ماده‌ی ۷ کنوانسیون عبارت امری «shall» به کار رفته است و این امر بیان‌گر این است که اگر در قانون ملی یا معاهده‌ی لازم‌الاتباع در کشور محل اجرا، مقرره‌ی مساعدتری برای اجرا وجود داشته باشد و ذینفع به آن استناد و اتکا کند، دادگاه اجراکننده مکلف است بر

اساس آن قانون یا معاهده نسبت به اجرای رای اقدام نماید و کنوانسیون نیویورک را از این جهت کنار بگذارد.

۳-۲- کنوانسیون ژنو ۱۹۶۱^{۱۸}

این کنوانسیون که یک کنوانسیون منطقه‌ای است، در ۲۱ آوریل ۱۹۶۱ در ژنو منعقد شده و در هفتم ژانویه ۱۹۶۴ لازم‌الاجرا گردیده است. قریب به اتفاق دولت‌های اروپایی و نیز دو دولت غیر اروپایی بورکینافاسو و کوبا عضو و ملزم به آن هستند. هدف این کنوانسیون تکمیل و تقویت کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ و فراهم کردن چارچوبی برای تمام مراحل فرآیند داوری است؛ با این حال کنوانسیون نیویورک را در بین کشورهای عضو نسخ و بی‌اثر نمی‌کند، چرا که جز موردی که مبانی امتناع از اجرای رای را محدود می‌نماید، اساساً راجع به اجرای آرای داوری قاعده‌ای ندارد. فرانسه در مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ این کنوانسیون را تصویب کرده و عضو آن شده است؛^{۱۹} به این ترتیب کنوانسیون نود روز بعد یعنی در شانزدهم مارس ۱۹۶۶ نسبت به آن کشور لازم‌الاجرا شده است.^{۲۰}

مهم‌ترین ماده‌ی کنوانسیون اروپایی، که به بحث حاضر ارتباط دارد، ماده‌ی ۹ با عنوان «ابطال رای داوری»^{۲۱} است. بر خلاف عنوان ماده‌ی مزبور، متن آن اساساً برای بیان مبانی ابطال و آیین آن تنظیم نشده و حاوی قاعده‌ای در این خصوص نیست، بلکه در راستای تحدید مبانی امتناع از شناسایی یا اجرای رای داوری خارجی، و به‌ویژه تحدید اثر بین‌المللی و فراسرزمینی حکم ابطال رای است؛ در واقع پاراگراف ۱ ماده‌ی ۹ کنوانسیون

18. European Convention on International Commercial Arbitration of 1961, Done at Geneva, April 21 1961.

19. Cf. <http://www.jurisint.org/en/ins/153.html>

۲۰. بند ۸ ماده‌ی ۱۰ کنوانسیون اروپا.

21. Setting Aside of the Arbitral Award.

اروپا، دایره‌ی شمول ماده‌ی (e) ۷(1) کنوانسیون نیویورک را محدود می‌کند. طبق این ماده از کنوانسیون نیویورک، هرگاه رای داوری در کشور مبدا ابطال شده باشد، همین امر مبنایی است برای این که دادگاه کشور مقصد اختیار داشته باشد از شناسایی و اجرای آن خودداری کند و اهمیتی ندارد که مبنای ابطال در کشور مبدا چه بوده است. ماده‌ی ۹ کنوانسیون اروپایی در مقام محدود کردن این مقرره‌ی کنوانسیون نیویورک در بین کشورهای اروپایی است.

مطابق پاراگراف ۱ از ماده‌ی ۹ «ابطال رای داوری مشمول این کنوانسیون در کشور عضو، مبنای امتناع از شناسایی یا اجرا در دیگر کشور عضو قرار می‌گیرد، صرفاً اگر چنین ابطالی در کشوری که در آن یا به موجب قانون آن رای صادر شده و بر اساس یکی از دلایل ذیل صورت گرفته باشد...». سپس پاراگراف مزبور چهار بند را در بیان دلایل ابطال مورد نظر ذکر می‌کند که با مبانی ابطال رای داوری در ماده‌ی (a) ۲(34) قانون نمونه‌ی *آنتیرال* شباهت کامل دارد.^{۲۲} این مبانی چهارگانه به طور خلاصه عبارت‌اند از: بی اعتباری

22. European Convention: Article IX - Setting Aside of the Arbitral Award:

"1. The setting aside in a Contracting State of an arbitral award covered by this Convention shall only constitute a ground for the refusal of recognition or enforcement in another Contracting State where such setting aside took place in a State in which, or under the law of which, the award has been made and for one of the following reasons:

- (a) the parties to the arbitration agreement were under the law applicable to them, under some incapacity or the said agreement is not valid under the law to which the parties have subjected it or, failing any indication thereon, under the law of the country where the award was made, or
- (b) the party requesting the setting aside of the award was not given proper notice of the appointment of the arbitrator or of the arbitration proceedings or was otherwise unable to present this case; or

موافقت‌نامه‌ی داوری به دلیلی غیر از عدم قابلیت داوری موضوع دعوا؛ عدم رعایت فرآیند صحیح و منصفانه‌ی رسیدگی؛ تجاوز داور از حدود اختیارات و صلاحیت خود؛ و عدم انطباق تشکیل دیوان داوری یا آیین داوری با توافق طرفین یا با قواعد حاکم بر آن. بنابراین کنوانسیون اروپایی بر خلاف ماده‌ی ۳۴ قانون نمونه و ماده‌ی ۵(۲) کنوانسیون نیویورک، عدم قابلیت داوری موضوع اختلاف یا مخالفت رای با نظم عمومی را ذکر نکرده است.

نکته‌ی مهم در این باره این است که بر طبق ماده‌ی ۹ این کنوانسیون، ابطال رای در صورتی که بر مبنایی غیر از مبانی مذکور در آن ماده صورت گیرد، نمی‌تواند مانع شناسایی و اجرای آن رای در سایر کشورها گردد. بر این اساس دادگاه‌های فرانسه به موجب این کنوانسیون نیز اختیار دارند در برخی موارد (آن‌گاه که مبنای ابطال در زمره‌ی مبانی مذکور در ماده‌ی ۹ نباشد)، به حکم ابطال رای داوری خارجی که از دادگاه مبدا صادر شده است، توجهی نکنند؛ و رای داوری ابطال شده را اجرا نمایند.

بنا به مراتب فوق، قاعده‌ی مذکور در ماده‌ی ۹(۱) کنوانسیون اروپایی که در مقام تفسیق قلمرو کنوانسیون نیویورک در خصوص مبانی امتناع از شناسایی و اجراست، از دو جهت محدود شده است:^{۲۳}

←

(c) the award deals with a difference not contemplated by or not falling within the terms of the submission to arbitration, or it contains decisions on matters beyond the scope of the submission to arbitration, provided that, if the decisions on matters submitted to arbitration can be separated from those not so submitted, that part of the award which contains decisions on matters submitted to arbitration need not be set aside;

(d) The composition of the arbitral authority or the arbitral procedure was not in accordance with the agreement of the parties, or failing such agreement, with the provisions of Article IV of this Convention. ...".

23. Gaillard, Emmanuel, & Savage John, (eds.), Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial Arbitration, Kluwer Law International, Netherland, 1999, para. 1716.

اولا: این ماده صرفاً ناظر به ابطال رای به‌عنوان مبنای رد اجراست. بنابراین دولت‌های عضو در خصوص سایر مبانی امتناع از اجرای رای، تابع کنوانسیون نیویورک باقی می‌مانند. به تعبیر دیگر از یک طرف ماده‌ی ۹ کنوانسیون اروپا صرفاً دایره‌ی ماده‌ی ۷(۱)(e) کنوانسیون نیویورک را محدود می‌کند و لذا مبنای مذکور در سایر بندهای پاراگراف ۱ و نیز پاراگراف ۲ ماده‌ی ۵ آن کنوانسیون به قوت و اعتبار خود باقی هستند و در کشورهای عضو کنوانسیون اروپا نیز لازم‌الاجرا می‌باشند. از طرف دیگر ماده‌ی ۷(۱)(e) کنوانسیون نیویورک خود حاوی سه مبناست، در حالی که کنوانسیون اروپا فقط دامن‌ی یکی از آن‌ها را محدود نموده است، بنابراین، هم‌چنان «الزام آور نبودن» رای و نیز «تعلیق رای در کشور مبدأ» به همان وضعیت موجود در کنوانسیون نیویورک از شمول کنوانسیون اروپا خارج است. البته اگر تعلیق رای با هدف ابطال آن بر اساس مبانی‌ای باشد که در ماده‌ی ۹ کنوانسیون اروپا ذکر نشده است، چنین تعلیق و ابطالی نمی‌تواند مبنای رد شناسایی یا اجرا قرار گیرد.

ثانیا: ماده‌ی ۹ کنوانسیون اروپا فقط به آثار ابطال رای توسط دادگاه کشور مبدأ، در کشور مقصد می‌پردازد و برخلاف آن‌چه از عنوان آن ماده بر می‌آید، به مبانی‌ای که بر اساس آن دادگاه‌های کشورهای طرف کنوانسیون می‌توانند رای داوری را ابطال کنند، اشاره ندارد. و لذا آیین و مبانی ابطال رای از شمول کنوانسیون اروپا خارج بوده و تابع قوانین ملی یا کنوانسیون‌های دیگر هستند.

البته یکی از نویسندگان معتقد است که ماده‌ی ۹ کنوانسیون به‌طور غیرمستقیم صلاحیت دادگاه‌های ملی برای دعوی ابطال و نیز مبانی ابطال رای را بیان کرده است.^{۲۴} طبق نظر ایشان، ماده‌ی ۹ کنوانسیون اروپا، دلایلی که بر اساس آن رای می‌تواند ابطال شود را برشمرده است. اگر رای در یک کشور بر مبنای دلایلی غیر از دلایل مذکور در ماده‌ی

24. Rene' David, Arbitration in International Trade, Kluwer Law and Taxation Publishers, 1985, para. 448.

۹ ابطال شود، چنین ابطالی در سایر کشورها معتبر به حساب نخواهد آمد. رای مزبور باقی و موجود خواهد ماند و اجرای آن می‌تواند مورد دستور قرار گیرد.^{۲۵} البته نویسنده‌ی مزبور اظهار تعجب می‌کند که چرا در کنوانسیون اروپا بعضی از مبانی که در نظام‌های حقوقی مختلف از عوامل ابطال رای است، مانند مخالفت رای با نظم عمومی ذکر نشده است؟ و دلیل آن را این می‌داند که «مفهوم نظم عمومی از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد».^{۲۶}

در مقام داوری، باید گفت که پذیرش نظر رنه داوید با اهداف غیرمحملی کردن داوری سازگارتر است، چرا که یکی از مطلوب‌های طرف‌داران نظریه‌ی غیرمحملی کردن داوری، حذف دعوای ابطال یا کاستن از موارد و مبانی آن است. اگر کنوانسیون اروپا را حاوی قاعده در خصوص بیان مبانی حصری دعوای ابطال بدانیم، دایره‌ی این دعوا را محدود کرده‌ایم و این امر به استقلال آیین و رای داوری کمک می‌کند. ظاهر پاراگراف ۱ ماده‌ی ۹ تاب چنین تفسیری را دارد. اما نویسندگانی که خود از طرف‌داران جدی غیرمحملی کردن داوری به حساب می‌آیند، با چنین تفسیری مخالف هستند و آن را قانع‌کننده نمی‌دانند.^{۲۷} به نظر آنان تفسیر اخیر، نه تنها با ذهنیت و برداشتی که از روند تدوین کنوانسیون وجود دارد سازگار نیست، بلکه با منطق کنوانسیون نیز هماهنگی ندارد. هرچند در کنوانسیون مزبور مخالفت با نظم عمومی و عدم قابلیت داوری موضوع ذکر نگردیده است، اما نباید گفت که کنوانسیون آن مبانی را برای ابطال رای داوری ناشیست و نامشروع می‌داند. چگونه قابل درک است که هدف و قصد کنوانسیون منع ابطال رای باشد که مهم‌ترین نهادها و مفاهیم کشور محل صدور را نقض کرده و به طور جدی مخالف نظم عمومی است.^{۲۸}

25. *Ibid.*26. *Ibid.*27. Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial Arbitration, *loc. cit.*28. *Ibid.*

در هر صورت این کنوانسیون به طور محدود اجازه‌ی اجرای آرای داوری ابطال شده در دادگاه مبدا را اعطا می‌کند.

منتها در مقایسه‌ی این کنوانسیون با کنوانسیون نیویورک باید گفت:

اولا: برخلاف کنوانسیون نیویورک که اجازه‌ی اجرای هر رای ابطال شده‌ای را می‌دهد، و اهمیتی ندارد که مبنای ابطال چه باشد، کنوانسیون اروپایی صرفاً اجرای آرای ابطال شده‌ای را اجازه می‌دهد که بر مبنایی غیر از مبنای مذکور در پاراگراف ۱ ماده‌ی ۹ ابطال شده باشند و تمام آرای ابطال شده را نمی‌توان اجرا کرد. اگر از دیدگاه دیگر به کنوانسیون نیویورک بنگریم، صرف ابطال رای در دادگاه مبدا از مبنای امتناع از اجراست و از نظر این کنوانسیون مبنای ابطال اهمیت ندارد. لذا مبنای امتناع از اجرای رای در آن به طور غیرمستقیم توسعه پیدا می‌کند و همه‌ی شیوه‌ها و مبنای ابطال مندرج در قانون ملی کشور مبدا را شامل می‌گردد.

ثانیا: کنوانسیون نیویورک در ماده‌ی ۵ به دادگاه اجرا کننده اختیار می‌دهد که رای ابطال شده را اجرا نماید یا از اجرای آن خودداری کند. در حالی که کنوانسیون اروپایی حاوی اختیار نیست بلکه متضمن اجبار است؛ به نحوی که اگر رای داوری در دادگاه مبدا بر اساس مبنای مذکور در ماده‌ی ۹ ابطال شده باشد، در هیچ کدام از کشورهای عضو قابل اجرا نیست و دادگاه مقصد نمی‌تواند دستور اجرای آن را صادر کند. در مقابل اگر ابطال رای بر مبنایی غیر از مبنای محصور در ماده‌ی ۹ صورت گرفته باشد، در تمام کشورهای دیگر عضو کنوانسیون قابل اجراست و دادگاه باید دستور اجرای آن را صادر نماید، مگر این که با یکی دیگر از موانع و مبنای رد اجرا مواجه باشد.

بنا به مراتب فوق، کنوانسیون نیویورک از این جهت که حاوی اختیار برای دادگاه اجرا کننده و نیز موجد مقرره‌ی حق مساعدتر است، با مبنای غیرمحملی کردن سازگار می‌باشد. اما کنوانسیون اروپایی از این جهت که مبنای ابطال را محدود کرده، در مسیر غیرمحملی کردن وارد شده است.

۳- رویه قضایی

دادگاه‌های فرانسه، اولین دادگاه‌هایی بودند که به مسئله‌ی امکان اجرای رای داوری ابطال شده پرداختند. هم اکنون رویه قضایی این دادگاه‌ها راجع به موضوع، تثبیت شده است. در وقایع و قضایای مختلف که از سال ۱۹۸۴ شروع شد، رویه قضایی فرانسه در این مسیر قرار گرفته که رای داوری ابطال شده در کشور مبدأ آن را می‌توان در دادگاه‌های فرانسه شناسایی و اجرا کرد. این قاعده اکنون در فرانسه مورد پذیرش کامل قرار گرفته و مسیر روشن آن در پرونده‌های متعدد دنبال شده است.

۱-۳- قضیه نرسولر^{۲۹}

در این پرونده، اختلاف راجع به فسخ یک قرارداد نمایندگی بود که بین شرکتی فرانسوی به نام نرسولر و یک شرکت ترکیه‌ای به نام شرکت تجارتی پابالک^{۳۰} منعقد شده بود. این اختلاف به داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی در وین اتریش ارجاع شد. دیوان داوری شرکت نرسولر را محکوم و آن را مکلف کرد مبالغی را به طرف مقابل بپردازد. آن چه در رای داوری مزبور واجد اهمیت است این که دیوان داوری در ماهیت امر بر اساس قواعد فراملی رای صادر کرد و به قانون ملی کشور خاصی استناد و اتکا نکرد.^{۳۱}

رای داوری، ابتدا هم در فرانسه و هم در اتریش شناسایی شد، اما بعدا دادگاه استیناف وین رای را به این دلیل که بر اساس قواعد فراملی صادر شده است، ابطال کرد. در فرانسه نیز، با این که دادگاه شهرستان پاریس^{۳۲} دستور شناسایی رای را صادر کرده بود، دادگاه استیناف پاریس با این استدلال که رای توسط دادگاه وین ابطال شده است، به

29. The Norsolor Case.

30. Pabalk Ticaret Şirketi (پابالک تجارت شیرکتی).

31. ICC Award, No. 3131.

32. Tribunal de Grand Instance.

استناد ماده‌ی ۷(۱)(e) کنوانسیون نیویورک، دستور دادگاه شهرستان را نقض کرد.^{۳۳} با اعتراض پابالک به تصمیم دادگاه استیناف پاریس، دیوان عالی فرانسه در نهم نوامبر ۱۹۸۴ حکم دادگاه استیناف را نقض و اعاده کرد. استدلال دیوان عالی در نقض حکم دادگاه تالی، بر دو مبنا استوار بود، یکی این که به استناد ماده‌ی ۱۲ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه، دادگاه استیناف مکلف بوده است به این امر رسیدگی و تعیین تکلیف کند که حقوق فرانسه تا چه اندازه می‌تواند با اجرای رای مخالفت کند. دیگر این - که ماده‌ی ۷ کنوانسیون نیویورک شناسایی و اجرای رای مطابق قانون فرانسه را اجازه می‌دهد و این ماده مقدم بر ماده‌ی ۵ کنوانسیون است.

تا این مرحله دیدگاه دیوان عالی فرانسه درباره‌ی اجرای رای داوری ابطال شده مشخص است. در عین حال این امکان وجود داشت که با اعاده‌ی پرونده به دادگاه استیناف پاریس، دادگاه مزبور بر تصمیم سابق خود اصرار کند؛ یا مبانی و شرایط اجرای رای را مشخص نماید؛ ولی چنین فرصتی عملاً از بین رفت، چرا که دیوان عالی اتریش، رای دادگاه استیناف وین را که حکم بر ابطال رای داوری داده بود، نقض کرد و لذا دادگاه فرانسه موردی برای بررسی امکان اجرای رای داوری باطل شده نداشت.

به هر روی تصمیم دیوان عالی فرانسه به نحو موثر قاعده‌ای ایجاد کرد که به موجب آن ماده‌ی ۷ کنوانسیون نیویورک، در وضعیت‌هایی که مشمول ماده‌ی ۵ است، بر ماده‌ی اخیر اولویت دارد. بر این اساس، این تصمیم‌گیری راه را برای اعمال «قاعده‌ی حق مساعدتر»^{۳۴} گشود تا آرای را که در کشور مبدا ابطال شده‌اند، بتوان در فرانسه اجرا کرد.^{۳۵}

۲-۳- قضیه هیلمارتن

این قضیه نیز مربوط به اختلاف ناشی از یک قرارداد نمایندگی بین شرکت فرانسوی

۳۳. تصمیم مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۲.

34. The More Favorable Right Principle.

35. Gaillard, *op. cit.*, pp. 20-21.

/و.تی.وی. و شرکت انگلیسی هیلمارتن بود. در این قرارداد هیلمارتن نماینده‌ی /و.تی.وی. برای انعقاد یک قرارداد در الجزایر بود و اختلاف حاصله در خصوص حق‌العملی (کمسیون) بود که /و.تی.وی. باید به هیلمارتن پرداخت می‌کرد.

اختلاف به داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی در ژنو سوییس ارجاع شد. داور واحد، حق‌العمل مزبور را غیرقابل پرداخت اعلام کرد، زیرا قانون الجزایر، که البته قانون حاکم بر قرارداد نیز نبود، پرداخت به واسطه‌ها را در چنان شرایطی مطلقاً منع می‌کرد.^{۳۶}

به درخواست /و.تی.وی. رای مزبور توسط دادگاه شهرستان پاریس شناسایی و اجرا شد.^{۳۷}

هم‌زمان با جریان درخواست اجرا در فرانسه، هیلمارتن دعوای ابطال رای داوری را در سوییس اقامه کرد و دادگاه عدالت ژنو (مقر داوری)، قبل از صدور دستور اجرا در پاریس، حکم ابطال رای را صادر کرد.^{۳۸} دیوان فدرال سوییس نیز، دقیقاً دو ماه پس از صدور دستور اجرا توسط دادگاه شهرستان پاریس، حکم دادگاه ژنو مبنی بر ابطال رای را تایید کرد.^{۳۹}

سپس هیلمارتن به تصمیم دادگاه شهرستان پاریس مبنی بر اجرای رای، نزد دادگاه استیناف پاریس اعتراض کرد. این دادگاه با این مسئله مواجه شد که آیا رایی که در کشور مبدأ ابطال شده، در فرانسه قابل اجراست یا خیر؟ نهایتاً دادگاه استیناف پاریس به قابلیت اجرای رای مزبور رای داد. دلایل تصمیم دادگاه بر اجرای رایی که ابطال شده بود به قرار ذیل است:

۱- با اعمال ماده‌ی ۷ کنوانسیون نیویورک، قاضی نمی‌تواند از اجرای رای خودداری

36. ICC Award, No. 5622

۳۷. تصمیم ۲۷ فوریه‌ی ۱۹۹۰.

۳۸. تصمیم ۱۷ نوامبر ۱۹۸۹.

۳۹. تصمیم ۱۷ آوریل ۱۹۹۰.

کند، مگر این که قانون ملی چنین اجازه‌ای صادر کند. بر این اساس دادگاه مزبور اعمال ماده‌ی ۷(۱)(e) را منتفی و استدلال مبتنی بر آن را بی اثر کرد.

۲- ماده‌ی ۱۵۰۲ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه مانع اجرا نیست، چرا که ابطال رای داوری در کشور محل صدور را از مبانی امتناع از شناسایی و اجرا نمی‌داند. و لذا قانون فرانسه با ماده‌ی ۷ کنوانسیون نیویورک هماهنگ و از مصادیق آن است.

۳- شناسایی و اجرای رایی که در کشور مبدا ابطال شده است، مخالف نظم عمومی بین‌المللی فرانسه نیست^{۴۰} و بنابراین اجرای رای ممنوع نیست.^{۴۱}

پس از اعتراض به تصمیم دادگاه استیناف پاریس، دیوان عالی فرانسه بر حکم آن دادگاه مهر تایید زد.^{۴۲} دیوان عالی در حکم خود فراتر از این رفت و استدلال کرد، رای موضوع بحث یک رای بین‌المللی به‌شمار می‌آید و متعلق به نظام حقوقی سوییس نیست و بنابراین با وجود ابطال در آن کشور به موجودیت خود ادامه داده و اجرای آن در فرانسه مخالف نظم عمومی بین‌المللی نخواهد بود.^{۴۳} بر این اساس دیوان عالی فرانسه بر تصمیم خود در پرونده‌ی نرسلر تاکید کرد، منتها موجب ایجاد یک ابهام شد و آن این که آیا در هر موردی که رای صادره را بتوان «رای بین‌المللی» قلمداد کرد، شناسایی و اجرای آن در فرانسه، با وجود ابطال آن در کشور مبدا مجاز است یا خیر؟

پس از ابطال رای داوری در سوییس، یک فرآیند داوری جدید در آن کشور شروع شد که منجر به صدور رایی دیگر گردید. رای دوم که در ۱۰ آوریل ۱۹۹۲ صادر شد، برعکس رای نخست، به هیلمارتن حق داد کمیسیون حق‌العمل خود را دریافت کند و به این ترتیب اوتی.وی. محکوم شد.

۴۰. بند ۵ ماده‌ی ۱۵۰۲ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه.

41. Gaillard, *op. cit.*, pp. 22.

۴۲. تصمیم مورخ ۲۳ مارس ۱۹۹۴.

43. Cited at *Ibid.*, pp. 22-23.

به درخواست هیلمارتین، دادگاه شهرستان نانت فرانسه دستور اجرای رای داوری دوم را صادر کرد.^{۴۴} در همان زمان، دادگاه شهرستان نانت، دستور شناسایی حکم دیوان فدرال سوییس مبنی بر ابطال رای داوری نخست را صادر کرد و این دستور نیز به هیلمارتین ابلاغ شد. نتیجه‌ی این احکام و دستورها این شد که هم‌زمان دو رای داوری متعارض راجع به یک موضوع و بین اشخاص هم‌سان، در نظام حقوقی فرانسه پدید آمد. به علاوه حکم دیوان فدرال سوییس مبنی بر ابطال رای نخست نیز وارد نظام حقوقی فرانسه شده بود. وجود چنین وضعیتی بی‌تردید غیرقابل تحمل می‌نمود.^{۴۵} با این حال دادگاه استیناف ورسای، تصمیمات دادگاه شهرستان نانت را تنفیذ کرد.^{۴۶} دادگاه استیناف ورسای با استناد به قواعد متعدد آیین دادرسی فرانسه، استدلال کرد که اجرای رای نخست اختلاف را در نظام حقوقی فرانسه وارد نکرده است و لذا شناسایی رای نخست مانع شناسایی رای دوم (رای معارض) نیست.^{۴۷}

با اعتراض به تصمیم دادگاه استیناف ورسای، دیوان عالی فرانسه با استناد به ماده‌ی ۱۳۵۱ قانون مدنی فرانسه و به دلیل قاعده‌ی اعتبار امر قضاوت شده، احکام دادگاه استیناف را نقض کرد^{۴۸} و بدین وسیله عدم اطمینان ناشی از آرای متعارض را از بین برد. بر این اساس با حکم اخیر دیوان عالی فرانسه، رای داوری اول در فرانسه باقی ماند و با وجود ابطال آن در سوییس مورد شناسایی قرار گرفت. با این حکم هرگونه تردید راجع به امکان شناسایی و اجرای رای ابطال شده در فرانسه از بین رفت.

۴۴. تصمیم ۲۵ فوریه‌ی ۱۹۹۳.

۴۵. *Ibid.*, p. 23.

۴۶. تصمیم ۲۹ ژوئن ۱۹۹۵.

۴۷. *Ibid.*

۴۸. تصمیم ۱۰ ژوئن ۱۹۹۷.

۳-۳- قضیه خط لوله دریایی لهستان

در این پرونده، رای داوری صادره در لهستان بین خط لوله‌ی دریایی لهستان و جولا سری^{۴۹} توسط دادگاه صالح در لهستان ابطال شد، اما دادگاه استیناف دعای (Douai) فرانسه دستور اجرای رای مزبور را در فرانسه صادر کرد. این تصمیم دادگاه استیناف در سال ۱۹۹۳ از سوی دیوان عالی فرانسه ابرام شد. دیوان عالی در این پرونده اظهار داشت که دادگاه‌های فرانسه نمی‌توانند بر مبنای ماده‌ی V(1)(e) کنوانسیون نیویورک، از شناسایی و اجرای رای خارجی امتناع کنند:

«ماده‌ی ۷ کنوانسیون نیویورک که فرانسه و لهستان هر دو عضو آن هستند، هر شخص ذینفع را از حقی که می‌تواند از رای داوری به شیوه و تا حد مجاز به موجب قانون کشور محل درخواست اجرا کسب نماید، محروم نمی‌کند. در نتیجه دادگاه فرانسه نمی‌تواند درخواست اجرای رای را رد کند که توسط مقام صالح کشور محل صدور ابطال یا تعلیق شده است، به شرطی که مبنای امتناع از اجرا، جزو مبنای مذکور در ماده‌ی ۱۵۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی نباشد، هرچند در ماده‌ی V(1)(e) کنوانسیون نیویورک ذکر شده باشد.

بنابراین تصمیم‌گیری دادگاه استیناف مبنی بر این که ابطال رای در لهستان و تصمیم دادگاه لهستان به تعلیق اجرا، نمی‌تواند توجیه‌کننده امتناع از اجرای آن رای در فرانسه باشد، صحیح است».^{۵۰}

49. Polish Ocean Line v. Jolasry.

50. Societe Polish Ocean Line v. Societe Jolasry, French Supreme Court, March 10, 1993, Y.B. Com. Arb., 1994, P. 662, cited at: Gharavi, Hamid G. , The International Effectiveness of the Annulment of an Arbitral Award, Kluwer Law International, Netherland, the Hague, 2002, pp. 78-79

۴-۳- قضیه‌ی کرومالوی

این قضیه مربوط به اختلاف ناشی از قرارداد تعمیرات و پشتیبانی تجهیزات بین نیروی هوایی مصر و شرکت آمریکایی کرومالوی آئروسرویسز^{۵۱} بود. پس از بروز اختلاف و فسخ یک‌جانبه‌ی قرارداد توسط نیروی هوایی مصر (کارفرما)، مطابق شرط داوری مندرج در قرارداد، کرومالوی رسیدگی‌های داوری را در قاهره (مقر داوری) شروع می‌کند. به موجب شرط داوری مندرج در قرارداد، مقر داوری در قاهره و قانون حاکم، قانون مصر تعیین شده بود. رسیدگی داوری با سه داور در قاهره شروع شد. دیوان داوری سه نفره در تاریخ ۲۴ آگوست ۱۹۹۴ علیه مصر و به نفع کرومالوی رای صادر و نیروی هوایی مصر را با اکثریت، محکوم به پرداخت مبالغی به کرومالوی می‌کند.

رای داوری که حاوی محکومیت مصر به پرداخت مبالغی معین به کرومالوی بود، به درخواست دولت مصر، توسط دادگاه استیناف قاهره ابطال شد. مبنای ابطال رای قانون داوری مصر بود.^{۵۲} بر طبق قانون مصر، یکی از مبانی ابطال این است که داور از اجرای قانون مورد توافق طرفین نسبت به ماهیت دعوا امتناع کند. بر اساس حکم دادگاه، دیوان داوری در تعیین این که کدام قانون ماهوی مصر بر دعوا حاکم است، دچار اشتباه شده بود. به اعتقاد دادگاه، قانون حاکم بر ماهیت اختلاف، حقوق اداری مصر بود، در حالی که دیوان داوری به اشتباه، حقوق مدنی مصر را اعمال کرده بود.^{۵۳}

رای داوری در تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۹۵ توسط دادگاه قاهره ابطال می‌گردد، اما هم در ایالات متحده و هم در فرانسه دستور اجرای آن در سال ۱۹۹۶ صادر می‌شود. دادگاه استیناف پاریس در تصمیم خود مبنی بر تایید دستور اجرای رای داوری در

51. Chromalloy Aeroservices.

۵۲. ماده‌ی (۱)(د) ۵۳ قانون داوری ۲۱ آوریل ۱۹۹۴ مصر.

53. Cf. Gharavi, *op. cit.*, p. 92.

فرانسه،^{۵۴} با وجود ابطال آن در مصر، استدلال کرد که هیچ کدام از موانع مذکور در ماده‌ی ۱۵۰۲ قانون جدید آیین دادرسی مدنی برای اجرای رای وجود ندارد. تعلیل و تحلیل دادگاه استیناف پاریس خلاصه‌ی جامعی از موضع حقوق فرانسه در خصوص مسئله اجرای آرای داوری ابطال شده را بیان می‌کند:

«نظر به این که قاضی فرانسوی نمی‌تواند از اجرای رای امتناع ورزد، مگر در موارد محدود مذکور در ماده‌ی ۱۵۰۲ قانون جدید آیین دادرسی مدنی که تشکیل دهنده‌ی حقوق ملی راجع به موضوع است و کرومالوی هم بر آن تکیه کرده است؛ نظر به این که ماده‌ی ۱۵۰۲ قانون جدید آیین دادرسی مدنی، مبانی مذکور در ماده‌ی ۵ کنوانسیون نیویورک را جزو مبانی امتناع از شناسایی و اجرای رای ذکر نمی‌کند و لذا اعمال ماده‌ی V(1)(e) ممتنع است؛ سرانجام نظر به این که رای صادره در مصر یک رای بین‌المللی است که بر حسب تعریف، متعلق به نظام حقوقی آن کشور نیست به نحوی که با وجود ابطال آن، موجودیتش تداوم پیدا می‌کند و این که شناسایی آن در فرانسه مخالف نظم عمومی بین‌المللی نیست...»^{۵۵}

بنابراین حکم دادگاه استیناف در این پرونده نیز به روشنی سرنوشت آرای بین‌المللی صادره در سایر کشورها را که از دیدگاه نظام قضایی فرانسه، متعلق به نظام حقوقی کشور محل صدور نیستند، بیان می‌کند.

۵-۳- قضیه‌ی بچتل

در این پرونده داوری ناظر به اختلاف قراردادی بین داک^{۵۶} و شرکت بین‌المللی

۵۴. تصمیم ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷.

55. Cited at: Gaillard, *op. cit.*, p. 25.

56. Direction Générale de l'Aviation Civile de l'Émirat de Dubai (DAC).

بچتل^{۵۷} بود.^{۵۸} داوری در دبی برگزار شد و تابع قانون امارات متحده‌ی عربی بود. رای داوری مبنی بر پرداخت ۲۴/۴ میلیون دلار به نفع بچتل صادر شد. بلافاصله پس از صدور رای، داک به دادگاه شهرستان دبی مراجعه و دعوای ابطال رای صادره را اقامه کرد. در شانزدهم نوامبر ۲۰۰۲ دادگاه دبی رای را ابطال کرد. استدلال دادگاه دبی در ابطال رای این بود که داور مراسم تحلیف شاهد را مطابق قانون محل داوری، برگزار نکرده است.^{۵۹}

سپس در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ دادگاه شهرستان پاریس به درخواست بچتل، دستور اجرای رای ابطال شده را علیه داک صادر نمود. با این حال در پانزدهم می ۲۰۰۴ دیوان‌عالی دبی حکم ابطال صادره از دادگاه تالی را ابرام کرد. به تبع این تصمیم، داک به دادگاه استیناف پاریس اعتراض نمود و درخواست کرد دستور اجرای صادره از دادگاه شهرستان پاریس نقض شود، زیرا دیوان‌عالی دبی حکم ابطال رای داوری را تایید کرده است. استدلال داک این بود که اولاً: داور از حدود اختیارات خود خارج شده، زیرا با قانون محلی هماهنگی نبوده و آن را رعایت نکرده است. ثانیاً: رای‌ی که در دبی یعنی محل صدور، قابل اجرا نیست، اجرای آن در فرانسه مخالف نظم عمومی بین‌المللی است. دادگاه استیناف پاریس دلایل داک را رد کرد. به اعتقاد دادگاه ابطال رای در دبی فاقد اثر بین‌المللی است و صرفاً به قلمرو حاکمیتی کشور محل صدور مربوط است. داک استدلال کرده بود که جهت اجرای صحیح رای در فرانسه، نباید رای مزبور قابلیت اعتراض در دبی (محل صدور) داشته باشد. دادگاه این استدلال را با اصول اساسی حقوق داوری بین‌المللی فرانسه ناسازگار

57. International Bechtel Company.

58. Direction Générale de l'Aviation Civile de l'Émirat de Dubai v. International Bechtel Co. CA Paris, 29 September 2005, cited in: Stockholm International Arbitration Review, vol. 3, 2005, p. 151.

۵۹. مطابق قانون دبی شاهد باید سوگند یاد کند و بگوید «به قادر مطلق سوگند یاد می‌کنم که حقیقت را بگویم و جز حقیقت نگویم».

دانست. به نظر دادگاه یکی از اهداف قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه، حذف موانع نفوذ و اجرای آرای داوری بین‌المللی است.^{۶۰}

۶-۳- قضیه‌ی پوترابالی

در این پرونده شرکت اندونزیایی پوترابالی^{۶۱} کالایی به شرکت فرانسوی رنا هلدینگ^{۶۲} فروخته بود که در حین حمل و نقل و در پی سانحه‌ای از بین رفته بود. به این دلیل خریدار از پرداخت بهای اقلام مفقود شده امتناع می‌کرد. با بروز این اختلاف، پوترابالی رسیدگی‌های داوری را نزد موسسه‌ی آگیا^{۶۳} شروع کرد. هیئت داوری مستقر در لندن، در آوریل ۲۰۰۱، به نفع خوانده (رنا هلدینگ) رای صادر کرد و او را محق دانست از پرداخت بهای کالاهای موضوع خواسته خودداری کند.^{۶۴}

پس از اعتراض پوترابالی در دادگاه لندن، دادگاه انگلیسی^{۶۵} مطابق ماده‌ی ۶۹ قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان، رای را جزئاً ابطال و مقرر کرد امتناع از پرداخت بهای کالاهای تلف شده، مصداق نقض قرارداد است؛ لذا پس از ابطال جزئی، پرونده را به هیئت داوری

60. Freyer, Dana, "The Enforcement of Awards Affected by Judicial Orders of Annulment at the Place of Arbitration", in: [Emmanuel Gaillard](#) and [Domenico di Pietro](#) (eds.), *Enforcement of Arbitration Agreements and International Arbitral Awards: The New York Convention in Practice*, Cameron May Ltd., U.K., May 2008, (pp. 757-786), at. 771-772.

61. PT Putrabali Adyamulia.

62. Rena Holding.

63. International General Produce Association (IGPA).

64. Haravon, Michael, "Enforcement Of Annulled Foreign Arbitral Awards: The French Supreme Court Confirms the Hilmarton Trend", in: MEALEY'S International Arbitration Report, Vol. 22, No. 9, September 2007, pp. 2-3.

65. High Court.

نخستین اعاده کرد. هیئت داورى در سال ۲۰۰۳ اقدام به صدور رای ثانوی کرد و به موجب آن به رنا هلدینگ دستور داد تا مبلغی حدود یکصد و شصت و چهار هزار یورو به پوترابالی بپردازد.

رنا هلدینگ با درخواست شناسایی و اجرای رای نخست، موفق شد دستور اجرای آن را از دادگاه شهرستان پاریس اخذ کند. دادگاه استیناف پاریس دستور دادگاه شهرستان را در مارس ۲۰۰۵ تایید کرد. با اعتراض به این تصمیمات در دیوان عالی فرانسه، دیوان مزبور در اولین حکم خود به تاریخ ۲۹ ژوئن ۲۰۰۷ توضیح داد که «رای داورى ای که مرتبط با نظام حقوقی خاصی نیست، حکم یک قاضی بین المللی محسوب می شود و اعتبار آن صرفاً بر اساس قواعد کشور محل درخواست شناسایی و اجرا مورد بررسی قرار می گیرد. مطابق ماده‌ی ۷ کنوانسیون نیویورک، رنا هلدینگ می تواند به رایی که در سال ۲۰۰۱ و بر طبق قواعد آنگا صادر شده، استناد نموده و با اتکا به قواعد حقوق فرانسه در مورد داورى بین المللی درخواست اجرا نماید. قواعد مزبور از حقوق فرانسه، ابطال رای در کشور مبدا را از مبنای امتناع از شناسایی و اجرای رای صادره در خارج نمی داند».^{۶۶}

بر این اساس رای نخست داورى صادره در ۲۰۰۱ - که توسط دادگاه انگلیسی جزئا ابطال شده بود- در فرانسه مورد شناسایی و اجرا واقع شد.

دیوان عالی فرانسه در تصمیم دوم خود، در همان تاریخ تصمیم نخست (۲۹ ژوئن ۲۰۰۷)، در خصوص شناسایی و اجرای رای داورى دوم ۲۰۰۳ (که دستور اجرای آن توسط دادگاه شهرستان پاریس صادر اما بعداً در دادگاه استیناف نقض شد)، توضیح داد که «حکم ۳۱ مارس ۲۰۰۵ دادگاه استیناف، که رای داورى ۲۰۰۱ را به درخواست رنا هلدینگ تایید و اجرا کرده، مشمول اعتبار امر قضاوت شده گردیده است و بر این اساس

66. Cass. 1ère civ., PT Putrabali Adyamulia v. Rena Holding, June 29, 2007, Case No. 06-13.293; cited at: *Ibid.*, p. 2.

مانع شناسایی و اجرای رای داوری دوم ۲۰۰۳ - که مغایر رای نخست است - می‌شود.^{۶۷} استدلال دیوان عالی فرانسه مبنی بر این که، رای صادره در پرونده *پوترابالی* متعلق به هیچ نظام حقوق خاصی نیست، حداقل از دیدگاه قانون انگلستان موجه نبوده و مغایر با قانون داوری ۱۹۹۶ آن کشور است، زیرا مطابق قانون مزبور، آیین داوری برگزار شده در انگلستان و رای ناشی از آن، تابع قانون داوری مزبور است.^{۶۸}

۷-۳- قضیه *آسکنا*

دیوان عالی فرانسه سرانجام صراحتاً در قضیه *آسکنا*^{۶۹} اعلام کرد که قانون مساعدتر فرانسه (ماده ۱۵۰۲) نسبت به تمام آرای داوری خارجی، اعم از ملی یا بین‌المللی اعمال می‌شود؛ حتی این امر منحصر به ابطال رای در کشور مبدا نیست و شامل تعلیق آن نیز می‌گردد.^{۷۰}

۴- بررسی مطلوبیت اجرای آرای داوری ابطال شده

در مقام بررسی مشروعیت و اعتبار رویه قضایی فرانسه باید به چند نکته اشاره کرد.^{۷۱} نخست این که اجرای آرای داوری ابطال شده در فرانسه، توسط دادگاه‌ها ممکن شد و نه قانون‌گذار. بی‌گمان دادگاه‌های فرانسه به مقررات کنوانسیون نیویورک و قواعد

67. Cass. 1ère civ., PT *Putrabali Adyamulia v. Rena Holding*, June 29, 2007, Case No. 05-18.053; cited at: *Ibid.*, p. 2.

68. ماده ۲(۱) قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان.

69. *Asecna v. N'Doye* (2000).

70. Poudret, Jean-francois, & Besson, Sebastien, *Comparative Law of International Arbitration*, Second edition, translated in English by Stephen V. Berti & Annette Ponti, THOMSON: Sweet & Maxwell, London, 2007, P. 849.

71. Gharavi, op. cit., pp. 81-84.

قانون آیین دادرسی مدنی اتکا و استناد کرده‌اند، لیکن صرفاً از طریق تفسیر لفظی آن قواعد و مقررات بود که آن‌ها قادر به صدور دستور اجرای آرای ابطال شده گردیدند. مطمئناً ماده‌ی ۷ کنوانسیون نیویورک با هدف ممکن ساختن اجرای آرای ابطال شده در این کنوانسیون گنجانده نشد، مخصوصاً با توجه به این که نظام «اجرای دوگانه‌ی» آرا با تلاش‌های زیاد به تازگی حذف شده بود. در خصوص قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، می‌توان به خوبی از آن برای رسیدن به نتیجه‌ی مخالف (یعنی امتناع از اجرای رای ابطال شده) از حیث نقض نظم عمومی بین‌المللی بر مبنای ماده‌ی (۵) ۱۵۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی استفاده کرد. صرف این واقعیت که ابطال رای در کشور محل صدور، جزو مبانی امتناع از شناسایی و اجرای رای مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیست، نمی‌تواند به خودی خود چراغ سبزی برای اجرای آرای ابطال شده باشد؛ مثلاً با وجود این - که ماده‌ی (b) ۷(1) کنوانسیون نیویورک جزو مبانی امتناع از اجرا در قانون فرانسه نیست؛ لیکن چه کسی می‌تواند ادعا کند که این مبنا در مبنای مذکور در ماده‌ی (۴) ۱۵۰۲ آن قانون (یعنی نقض فرآیند صحیح رسیدگی و قواعد دادرسی منصفانه) مستغرق نیست؟ مطالعه‌ی خطرات ناشی از رویه‌ی اجرای آرای ابطال شده، نشان می‌دهد که تا چه اندازه این رویه ناقض نظم عمومی بین‌المللی است.^{۷۲}

دوم این که وجود تعارضی حقوق فرانسه را در مورد کنترل آرای داوری مشوش کرده است. در واقع آیا دادگاه‌های فرانسه با این تعارض روبه‌رو نیستند که از یک طرف حکم ابطال صادره در خارج را نادیده می‌انگارند، و از طرف دیگر ماده‌ی ۱۵۰۲ قانون فرانسه به دادگاه‌های فرانسوی صلاحیت ابطال آرای داوری صادره در فرانسه را اعطا می‌کند؟^{۷۳} این غیرمحملی کردن ناقص و یک‌طرفه و یا این وسواس به خرج دادن‌ها، نه فقط

72. *Ibid.*, p. 82.

73. Leurent, B., "Reflections on the International Effectiveness of Arbitration Award", in: *Arbitration International*, Vol. 12, No. 3, 1996, p. 270.

تایید‌کننده‌ی نکته‌ی نخست است؛ این که اجرای آرای داوری ابطال شده، ساخته و پرداخته‌ی دادگاه‌هاست و نه قانون‌گذار؛ بلکه شاید بیش‌تر بیان‌گر این است که این رویه مخالف «روح» قانون جدید آیین دادرسی مدنی است.^{۷۴}

بالاخره سوم این که درباره‌ی اجرای آرای داوری ابطال شده چنین استدلال شده است: «کاملاً مطابق با اصول حقوق بین‌الملل خصوصی است که در صورت فقدان یک معاهده‌ی بین‌المللی راجع به موضوع، آن موضوع باید بر طبق دیدگاه محل اجرای رای فیصله یابد».^{۷۵} این استدلال در خصوص رویه‌ی اجرای آرای ابطال شده قابل اعمال نبوده و فاقد مزیت است. استدلال مزبور هرچند در نگاه اول منطقی به نظر می‌رسد ولی بین دو فرض تفکیک نکرده است: ۱- اجرای تصمیم قضایی یا رای داوری لازم‌الاجرا در محل صدور ۲- اجرای تصمیم قضایی یا رای داوری ابطال شده در کشور محل صدور.^{۷۶}

اگر تردید نباشد که وضعیت اول را می‌توان، در فرض عدم وجود معاهده‌ی بین‌المللی، مطابق قانون یا دیدگاه محل اجرا حل کرد، همان برخورد در خصوص وضعیت دوم قابل اعمال نیست. در واقع این اصل حقوق بین‌الملل خصوصی که دادگاه محل اجرا نسبت به فرآیند اجرا اختیار و حاکمیت کامل دارد مستلزم این نیست که دادگاه اجازته‌ی دستور اجرا یا عدم اجرای تصمیم قضایی یا رای داوری ابطال شده در کشور محل صدور را داشته باشد، بلکه آن اصل نسبت به اجرای تصمیم قضایی یا رای داوری‌ای اعمال می‌شود که در محل صدور الزام‌آور است. اگر قرار باشد اصلی از اصول حقوق بین‌الملل اعمال شود، آن اصل نزاکت بین‌المللی است که پذیرش رای ابطال شده در کشور دیگر را منع می‌کند. بر مبنای همین اصل است که دادگاه ایالات متحده در قضیه‌ی بیکر مارین، از

74. Gharavi, *op. cit.*, p. 82.

75. Gaillard, *op. cit.*, p. 39.

76. Gharavi, *op. cit.*, p. 83.

اجرای آرای صادر شده و ابطال شده در نیجریه امتناع کرد.^{۷۷} با وجود مراتب فوق، اندکی افراطی به نظر می‌رسد که بگوییم رویه‌ی قضایی فرانسه در مورد اجرای آرای ابطال شده، قانوناً غیرقابل خدشه و بی‌اشکال است، در عین حال اعلام دیدگاه کاملاً مخالف، یعنی این که رویه‌ی قضایی غیرقابل توجیه است، نیز به همان اندازه افراطی است.

به اعتقاد بعضی از حقوق‌دانان، رویه‌ی قضایی با پذیرش شناسایی و اجرای آرای ابطال شده در خارج، در راستای اعمال صحیح ماده‌ی ۵ کنوانسیون نیویورک حرکت کرده و منطبق با قانون است.^{۷۸} با این حال این رویه به چند دلیل نامطلوب است؛ اولاً: این راه حل ریسک تصمیمات متعارض را افزایش می‌دهد، چرا که هر کشوری را قادر می‌سازد نسبت به آرای خارجی، هر میزان آزادگرایی را که می‌خواهد اعمال کند؛ ثانیاً: آن رویه مایه‌ی عدم اطمینان حقوقی است، چرا که بر اساس آن، حکم ابطال رای داوری در دادگاه مبدا پایان راه نیست و رای داوری حتی اگر ابطال شده باشد عامل تهدید برای محکوم‌علیه است، زیرا به موجودیت خود ادامه داده و امکان اجرا دارد؛ همان‌گونه که در قضیه‌ی *هیلمارتن* صادق بود؛ ثالثاً: و مهم‌تر از همه رویه‌ی موجود در فرانسه به پیش‌بینی و انتظار طرفین و به حاکمیت اراده‌ی آن‌ها احترام نمی‌گذارد، و آن را دور می‌زند و نادیده می‌گیرد، اراده‌ای که با انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم آن‌ها بر این قرار گرفته تا داوری تابع یک نظام حقوقی معین و مقامات قضایی آن باشد.^{۷۹} بر این اساس مهم‌ترین ایرادات وارد بر رویه‌ی اجرای آرای داوری ابطال شده را می‌توان در مسایل ذیل خلاصه کرد:

77. *Ibid.*, pp. 83-84.

78. Poudret & Besson, *op. cit.*, p. 853.

79. *Ibid.*, p. 854.

۱-۴- احتمال صدور آرای متعارض

احتمال صدور و اجرای آرای داوری متعارض، ایراد مهمی است که بر رویه‌ی اجرای آرای داوری ابطال شده وارد شده است. اگر رای نخست پس از ابطال اجرا شود، سپس رای دوم، با برگزاری فرآیند داوری جدید، در مقر داوری صادر شده و درخواست اجرای آن نیز مطرح گردد، با دو رای متعارض راجع به یک موضوع مواجه هستیم که اگر هر دو دستور اجرا بگیرند، خلاف قواعد حقوقی است.

در صورت پذیرش دیدگاه سنتی، چون رای نخست قابل اجرا نیست، پس رای دوم بدون معارض می‌ماند. اما در صورت پذیرش دیدگاه جدید، چون رای نخست نیز قابل اجراست، دو رای متعارض قابل اجرا موجود خواهد بود که از یک سو اجرای هر دو قابل تصور نیست و از سوی دیگر، عدم اجرای رای دوم که یک رای معتبر است، قابل توجیه به نظر نمی‌رسد. عدم اجرای رای نخست نیز به معنی عدول از دیدگاه جدید و بازگشت به دیدگاه سنتی است. چنین وضعیتی در قضایای هیلمارتن و پوترابالی پیش آمد.

در پاسخ به این ایراد گفته شده است، چنین سناریویی به ندرت ممکن است اتفاق بیفتد و این موارد نادر نمی‌تواند باعث روی گردانی ما از مزایای دیدگاه جدید گردد.^{۸۰} دلیل نادر بودن موارد صدور دو رای متعارض، این است که محکوم‌له رای ابطال شده به ندرت مایل خواهد بود که وارد جریان داوری دیگری شود، بلکه تلاش خواهد کرد تا اموال محکوم علیه رای داوری را در کشورهای دیگر شناسایی کرده و در راستای شناسایی و اجرای رای نخست اقدام کند، و از ورود به داوری دیگر که مستلزم صرف هزینه و وقت زیادی است، امتناع می‌کند. بنابراین صدور رای دوم بیش تر در موارد نادری روی می‌دهد که مطابق موافقت‌نامه‌ی داوری یا قانون حاکم، در صورت ابطال رای لزوماً باید دیوان

۸۰ اسماعیل پور فداکار، شاهین، "اجرای آرای داوری خارجی ابطال شده در کشور محل صدور"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵، پاراگراف ۶۰.

داوری جدیدی تشکیل شود.^{۸۱}

پاسخ مزبور و دلیل بیان شده برای نادر بودن موارد صدور آرای متعارض، در همه‌ی موارد موجه به نظر نمی‌رسد، چرا که فرض شده است که همواره محکوم‌له رای نخست (ابطال شده) داوری جدید را شروع می‌کند؛ در حالی که ممکن است فرآیند داوری جدید توسط محکوم‌علیه رای نخست شروع شود. به‌ویژه اگر محکوم‌علیه مزبور خواهان دعوا بوده باشد، معمولاً چاره‌ای جز شروع داوری جدید یا مراجعه به دادگاه صالح، بر حسب مورد، نخواهد داشت.

صدور آرای متعارض منحصر به آرای داوری متعدد نیست، بلکه گاهی ممکن است رای دوم، رای دادگاه باشد که معارض با رای نخست داوری صادر می‌شود. اگر مطابق قانون محل صدور پس از ابطال رای داوری، دادگاه مقرر صالح به رسیدگی به اختلاف باشد و دادگاه هم رسیدگی کرده، رای صادر کند، آن موقع رای اخیر دادگاه با رای نخست داوری تعارض دارد و اگر اجرای هر دو در یک کشور خواسته شود، مشکل بروز می‌کند.^{۸۲}

رویه‌ی قضایی فرانسه، برای حل این تعارض، به قاعده‌ی اعتبار امر قضاوت شده متوسل شده است. همان‌گونه که در قضیه‌ی هیلمارتن و پوترابالی ملاحظه شد، دیوان‌عالی فرانسه بر این نظر اصرار کرد که با شناسایی و اجرای رای داوری نخست، آن رای وارد نظام حقوقی فرانسه شده و اعتبار امر مختومه پیدا کرده است؛ بنابراین نمی‌توان رای دوم را که دقیقاً بین همان اشخاص و راجع به همان موضوع اصدار یافته است، اجرا کرد.

۲-۴- تعارض با اصل نزاکت بین‌المللی

حامیان دیدگاه سنتی معتقدند که دادگاه‌های کشور محل اجرا باید برای حکم ابطال

۸۱. همان.

82. Roy, *op. cit.*, pp. 35-36.

خارجی، اثر الزام‌آور قائل باشند، زیرا پس از ابطال، رای داوری دیگر وجود خارجی و حقوقی ندارد.^{۸۳} به علاوه گفته شده است اجرای رایی که در کشور مبدا ابطال شده، نوعی بی‌احترامی به آن کشور بوده و با اصل نزاکت بین‌المللی سازگار نیست. بی‌تردید نادیده گرفتن تصمیم ابطال دادگاه مقر داوری می‌تواند منجر به صدور آرای متعارض گردیده باعث شود تا طرف داوری با آیین‌های جداگانه و مکرر اجرا در کشورهای مختلف مواجه شود. زیرا محکوم‌له ناچار است کشوری را بیابد که امکان اجرای مناسب رای در آن وجود داشته باشد و همین امر او را وادار می‌کند که در کشورهای مختلف درخواست اجرا بنماید.^{۸۴}

هم‌چنین بی‌توجهی یک‌جانبه به احکام صادره از دادگاه کشور خارجی، توسط قانون‌گذار یا نظام قضایی فرانسه یا هر کشور دیگر فی‌نفسه مضر به اهداف داوری تجاری بین‌المللی است. در این رویه نوعی بی‌احترامی نسبت به دادگاه‌های کشور مبدا وجود دارد، که مخالف مفاهیم نزاکت بین‌المللی مورد قبول اکثر کشورهاست.^{۸۵} به‌علاوه این رویه، کشورهایی را که تازه به حوزه‌ی داوری تجاری بین‌المللی وارد شده و برای تقویت و تشویق داوری، اقدام به وضع قوانین کرده‌اند، اما در عین حال انتظار دارند که بر داوری برگزار شده و رای صادره در کشورشان نظارت و کنترل کامل داشته باشند، ناامید و مایوس می‌کند و با اجرای آرای ابطال شده، دیگر علاقه‌ای به فرآیند داوری بین‌المللی نخواهند داشت.^{۸۶}

83. Albert Jan Van Den Berg, "Enforcement of Annulled Awards?", in: ICC Bulletin, Vol. 9, No. 2, 1998, pp. 15-16.

84. Freyer, op. cit., p. 766.

۸۵ جنیدی، لعیا، "مسئله اجرای آرای داوری ابطال شده"، در: فصلنامه حقوق، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره‌ی ۳۸، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۸۷، ص. ۱۵۶.

86. Sampliner, G. H. "Enforcement of Nullified Foreign Arbitral Awards: Chromalloy Revisited", in: Journal of International Arbitration, Vol. 14, No. 3, 1997, p. 157.

۳-۴- ناهماهنگی و عدم اطمینان در نظام اجرای آرای داوری

این رویه موجبات ناهماهنگی در نظام داوری بین‌المللی را فراهم می‌آورد. به این معنا که با لازم‌الاتباع نبودن رای دادگاه مقرر در خصوص ابطال رای داوری، این رای در کشورهای مختلف دچار سرنوشت گوناگونی می‌شود. ممکن است با رای‌ی مواجه شویم که در کشور «الف» ابطال شده، در کشور «ب» غیرقابل اجرا محسوب شده و در کشور «ج» اجرا شده است. چنین وضعیتی موجب می‌شود محکوم‌له در سراسر جهان در پی دادگاهی که حاضر به اجرای رای داوری باشد به جست و جو پردازد. به این ترتیب، محکوم‌علیه هیچ‌گاه آسوده نخواهد شد و همواره بیم آن را دارد که اموال او در یکی از کشورها توقیف شود. در حالی که اگر ابطال رای در کشور محل صدور یکی از موانع اجرا بود، با رای دادگاه مقرر تکلیف قضیه یک‌سره می‌شد. این وضعیت موجب از بین رفتن امنیت و ثبات در رفع اختلافات تجاری شده و نهایتاً به بی‌اعتباری داوری به مثابه مهم‌ترین شیوهی رفع اختلاف می‌انجامد.^{۸۷}

در پاسخ به این ایراد گفته شده است: هماهنگی مورد نظر تا زمانی که در این زمینه یک مرجع صلاحیت‌دار بین‌المللی که تصمیماتش برای تمامی کشورها لازم‌الاتباع باشد، تاسیس نگردد، دست نیافتنی خواهد بود. به علاوه بین دادگاه‌های مقرر داوری و محل اجرا سلسله مراتب وجود ندارد و دلیلی وجود ندارد که نظر دادگاه مبدا را بر دادگاه مقصد ترجیح دهیم. به علاوه نظام هماهنگی که در فرض تاثیر بین‌المللی حکم ابطال ایجاد می‌شود، تنها در جهت دشوارتر کردن اجرای آرای داوری عمل خواهد کرد.^{۸۸}

فوشار دو نوع هماهنگی که با اجرای آرای داوری ابطال شده ایجاد می‌شود را مطرح می‌کند:

۸۷ رک. اسماعیل پور فداکار، پیشین، پاراگراف ۵۶.

۸۸ همان، پاراگراف ۵۷.

۱- هماهنگی بین‌المللی: قابلیت اجرای آرای ابطال شده باعث ایجاد نوعی برخورد هماهنگ در مقابل تصمیمات دادگاه‌های خارجی در خصوص آرای داوری می‌شود. همان‌گونه که تایید و تنفیذ رای توسط دادگاه کشور محل صدور باعث ایجاد تکلیف به اجرای آن در کشور مقصد نمی‌شود و دادگاه مقصد باید شرایط اجرای آن را احراز کند و در مواردی احتمال دارد آن را اجرا نکند، تصمیم به ابطال رای در دادگاه مبدا نیز اثری بیش از این ندارد و دادگاه مقصد را نباید مکلف به عدم اجرا دانست. بنابراین لازم‌الاجرا ندانستن تصمیم دادگاه مبدا برای دادگاه مقصد در هر دو فرض باعث هماهنگی می‌شود.

۲- هماهنگی داخلی: امکان اجرای آرای داوری ابطال شده باعث می‌شود در کشورهای خاص تمام آرای داوری مشمول معیار واحدی شوند و تفاوت بین آرای داخلی و خارجی از بین برود. اگر دو رای مشابه یکی در مقر دادگاه اجرا کننده و دیگری در کشوری دیگر صادر شده و دومی در مقر خود ابطال شده باشد، در چنین حالتی مطابق دیدگاه سنتی ممکن است برای رای اول اجراییه صادر شود، در حالی که رای دوم به دلیل ابطال، با عدم اجرا مواجه می‌شود؛ چنین تبعیضی بی‌پایه است.^{۸۹}

در انتقاد از این نظر فوشار، می‌توان گفت اتفاقاً اجرای آرای داوری خارجی ابطال شده، خود نوعی تبعیض است. اگر دو رای داوری، هر دو در داوری‌های تجاری بین‌المللی صادر شده باشند؛ یکی در کشور مقر دادگاه اجرا کننده و دیگری در کشوری خارجی، و هر دو رای در دادگاه‌های مبدا خود ابطال شده باشند، اما در عین حال درخواست اجرای هر دو رای در این دادگاه به عمل آید، طبیعی است که دادگاه اجرا کننده رای صادر شده و ابطال شده در مقر خود را اجرا نخواهد کرد، در حالی که ممکن است رای صادر شده و ابطال شده در خارج را اجرا کند؛ این نیز تبعیضی است آشکار، هر چند در راستای اجرای هر چه بیش‌تر آرای داوری است.

۸۹. به نقل از: همان، پاراگراف ۵۸، صص. ۹۱-۹۲.

۴-۴- تعارض با اصول حقوقی و ظهور آرای شناور

دیگر عیب مهم این رویه این است که بین اجرا در کشور مبدا و کشور خارجی اختلاف و تعارض بروز می‌کند. ابطال در کشور مبدا واجد این اثر است که رای داوری در کشور مزبور قابل اجرا نیست؛ در مقابل همان رای را، با وجود ابطال در کشور مبدا، می‌توان در کشوری مانند فرانسه اجرا کرد. اعطای اثر محدود به ابطال رای که در کنوانسیون اروپا مصداق دارد، نیز همان عیب را داراست، هرچند به دلیل این که کنوانسیون مزبور تعدادی از مبانی ابطال را مدنظر قرار می‌دهد، این عیب کم‌رنگ‌تر است.^{۹۰}

کنار گذاشتن و بی‌توجهی به حکم ابطال هم‌چنین در اصطکاک با مفاهیم بنیادین حقوقی است. هنگامی که رای در کشور مبدا ابطال شده، به واقع در آن کشور معدوم شده است. این واقعیت که رای ابطال گردیده، بیان‌گر این است که رای از نظر حقوقی ریشه در قانون داوری کشور مبدا دارد. پس چگونه ممکن است که دادگاه‌های کشورهای دیگر رای ابطال را نادیده گرفته و رای داوری ابطال شده را هم‌چنان معتبر بدانند؟ شاید برخی از تئوری‌های فلسفه‌ی حقوق بتواند پاسخی برای این پرسش داشته باشد، اما برای یک عالم حقوق چنین پدیده‌ای غیرقابل توجیه است. به نظر می‌رسد که فقط یک معاهده‌ی بین‌المللی می‌تواند به رای ابطال شده در کشور مبدا وضعیت حقوقی خاص اعطا کند، آن-چنان که در کنوانسیون اروپا صورت گرفته است.^{۹۱}

ایراد دیگر این است که این رویه باعث می‌شود که آرای ابطال شده به آرای معلق و شناور تبدیل شوند.^{۹۲} در صورتی که رای داوری اشکالی غیرقابل انکار داشته باشد، باید

90. Albert Jan Van Den Berg, "Annulment of Award In International Arbitration", in: Richard B. Lillich & Charles N. Brower (eds.), *International Arbitration in the 21st Century: Towards Judicialization and Uniformity?*, Twelfth Sokol colloquium, Trasnational Publishers Inc., New York, 1994, p. 160.

91. *Ibid.*, p. 161.

92. Gharavi, *op. cit.*, pp. 124-125.

شیوه‌ای اندیشیده شود که محکوم علیه چنین رای، یک‌بار و برای همیشه از چنین رای‌ی رهایی یابد. چنانچه حکم ابطال اثر بین‌المللی داشته باشد، چنین امری روی خواهد داد. با ابطال رای داوری در مقر، محکوم علیه مطمئن خواهد بود که از این رای در هیچ جای دنیا استفاده نخواهد شد. در حالی که با سلب اثر بین‌المللی ابطال، محکوم علیه همواره این نگرانی را خواهد داشت که این رای معیوب در یکی از کشورها به اجرا گذارده خواهد شد؛ وی هم چنین به ناروا مجبور خواهد بود تا در هر کشوری که محکوم له تقاضای اجرا می‌کند خود را آماده‌ی دفاع کرده یا با خطر ضبط احتمالی اموالش مواجه شود. این آرا به این دلیل آرای شناور خوانده می‌شوند که هیچ دادگاهی موفق به بند کشیدن آن‌ها نمی‌شود و در سطح بین‌المللی به صورت معلق و شناور باقی می‌مانند تا وقتی که در کشورهای محل اجرای انتخابی فرود آیند.^{۹۳}

محکوم علیه باید این حق را داشته باشد که اعتبار رای را یک‌بار و برای همیشه در دادگاه به چالش بکشد، در غیر این صورت محکوم علیه ممکن است کشور به کشور توسط خواهان مورد تعقیب قرار گیرد، تا این که احتمالاً دادگاهی مبادرت به صدور اجراییه کند. در صورتی که رای در کشور محل صدور ابطال شده باشد و این ابطال مبنایی برای امتناع از اجرا در دیگر کشورهای عضو کنوانسیون باشد، خواهان از انجام چنین عملی خودداری خواهد کرد.^{۹۴}

روی‌گود نیز در انتقاد از این رویه معتقد است: اگر دادگاه‌های سایر کشورها از شیوه دادگاه‌های فرانسه پیروی می‌کردند، قطعاً ماده‌ی ۵ کنوانسیون نیویورک به یک قانون متروک تبدیل می‌شد. هیچ دادگاهی به ابطال رای داوری توسط دادگاهی دیگر توجه

۹۳. اسماعیل پور فداکار، پیشین، پاراگراف ۶۳.

94. Albert Jan Van Den Berg, The New York Arbitration Convention of 1958: Toward a Uniform Judicial Interpretation, Kluwer Law and Taxation Publishers, Deventer/Netherlands, 1981, p. 355.

نکرده و تنها به قانون ملی خود استناد می‌کند. چنین روی‌کردی با بین‌المللی کردن داوری که تئوری رای بی‌تابعیت ادعای حمایت از آن را دارد مغایرت دارد.^{۹۵}

در پاسخ گفته شده است؛ اولاً: چنان‌که دیدیم ماده‌ی ۵ دولت‌های عضو را مکلف به عدم اجرای رای داوری ابطال شده نمی‌کند. بنابراین اجرای چنین آرای نقض ماده‌ی ۵ کنوانسیون نیست، ثانیاً: برخلاف ادعای روی‌گود، اجرای آرای ابطال شده تعارضی با بین‌المللی‌گرایی هواداران تئوری غیرمحملی شدن ندارد. این تئوری در پی بین‌المللی کردن آرای داوری است نه بین‌المللی کردن تصمیمات محاکم قضایی. طبیعی است که بین‌المللی کردن احکام دادگاه ابطال‌کننده، در تعارض با بین‌المللی شدن یا غیرمحملی شدن رای داوری قرار دارد و در آن واحد نمی‌شود از هر دو سخن گفت.^{۹۶}

* * * *

بعضی مفسرین معتقدند که رویه‌ی قضایی فرانسه به غیرمحملی کردن راه نمی‌یابد بلکه به چند محلی کردن^{۹۷} منجر می‌شود، زیرا کنترل آرای داوری هم‌چنان نزد دادگاه‌های کشورهای که در آن‌جا درخواست اجرا می‌شود، ممکن است. این انتقاد کمی اغراق‌گونه و افراطی به نظر می‌رسد، چرا که کنترل اعمال شده در مقر داوری ناظر به ابطال است که مانع اجرا در تمام دنیا شود، اما کنترل در کشور محل اجرا محدود به اثر رای در آن کشور است. هدف از غیرمحملی کردن، محروم کردن کشورها از منع اجرای جهانی رای است.^{۹۸}

بی‌اعتبار کردن مبانی حقوقی اجرای آرای ابطال شده اندکی غیرمنصفانه به نظر می‌رسد، چرا که تفاوت دیدگاه بین طرف‌داران این رویه و مخالفان آن واقعا از تئوری‌های متعارض حقوقی قابل اعمال بر موضوع ناشی می‌شود؛ در حالی که مخالفان معتقدند که

95. Roy Goode, *op. cit.*, p. 37.

۹۶. اسماعیل‌پور فداکار، همان، پاراگراف ۵۷.

97. Multilocalization.

98. Gharavi, *op. cit.*, p. 82, footnote 312.

رای داوری از نظام حقوقی کشور محل صدور ریشه می‌گیرد، طرف‌داران این رویه آن را با ماهیت قراردادی صلاحیت داور و فقدان مقرر حقوقی برای او توجیه می‌کنند؛ لذا به دادگاه محل اجرا حق می‌دهند که به سرنوشت رای در کشور محل صدور بی‌توجه بماند.^{۹۹} مکانیسم بین‌المللی اجرای آرای داوری، مسافت زیادی پیموده و از شرط مشکل‌ساز «اجرای دوگانه‌ی» کنوانسیون ژنو، به تمایل فعلی به سوی اجرای آرای ابطال شده، رسیده است؛ به علاوه از وابستگی کامل اجرا به سرنوشت رای در کشور محل صدور، به بی‌تفاوتی کامل نسبت به آن نایل شده است.

دیدگاه مدرن و روی کرد غیرمحملی کردن، موجودیت رای داوری را از قانون کشور مبدا جدا و منفک می‌داند. طرف‌داران اجرای رای ابطال شده معتقدند قانون مقرر داوری منبع منحصر اعتبار رای داوری نیست و ناعادلانه خواهد بود اگر به قانون کشوری که در آن یا به موجب قانون آن رای صادر شده است، اجازه دهیم تا از طریق ابطال رای، از اجرای آن در سایر کشورها ممانعت به عمل آورد. آن‌ها هم‌چنین استدلال می‌کنند که این روی کرد می‌تواند حتی قانون‌گذاران و قضات آن کشورها را از ابطال رای صادره علیه اتباعشان ناامید و منصرف کند.^{۱۰۰}

پس از قضایای هیلمارتن و کرومالوی، پیشنهادهای متعددی توسط علمای حقوق برای تنظیم بهتر رابطه‌ی بین ابطال احتمالی رای و شناسایی و اجرای آن در خارج از کشور مقرر ارایه شد. گستاخانه‌ترین راه‌حل توسط فیلیپ فوشار ارایه شد که پیشنهاد می‌کرد «هرگونه دعوای ابطال آرای داوری بین‌المللی» حذف گردد، کنترل این آرا تا مرحله‌ی شناسایی و اجرای رای به تاخیر افتد و تنها در اختیار دادگاه کشور مقصد قرار گیرد.

99. *Ibid.*, p. 84.

100. Paulsson, Jan, "Enforcing Arbitral Awards Notwithstanding a Local Standard Annulment (LSA) ", in: ICC Bulletin, Vol. 9, No. 1, 1998, p. 31.

پیشنهاد فشار علاوه بر این که امکان کمی برای پذیرش توسط کشورها دارد، همان عیوب رویه‌ی قضایی فرانسه را داراست. به علاوه در رفتار نسبت به طرفین تبعیض جدی ایجاد می‌کند، زیرا در مرحله‌ی اجرا هر چند محکوم علیه می‌تواند از خود دفاع کرده و مانع اجرا شود، خواهانی که دعوای او به اشتباه رد شده است، از هر امکانی برای اعتراض به رای محروم می‌شود.^{۱۰۱}

جان پالسون در راستای ارایه‌ی راه حل برای این موضوع، بین مبانی ابطال رای تفکیک می‌کند. به اعتقاد ایشان چنانچه رای داوری در دادگاه مبدا بر اساس مبانی و استانداردهای بین‌المللی^{۱۰۲} ابطال شود،^{۱۰۳} حکم ابطال باید اثر فراسرزمینی داشته و رای ابطال شده در هیچ کشوری قابل اجرا نباشد. اما در صورتی که دادگاه مبدا بر طبق مبانی و دلایل محلی^{۱۰۴} اقدام به صدور رای کرده باشد، حکم وی اثر سرزمینی داشته و رای ابطال شده را می‌توان در کشورهای دیگر اجرا کرد.^{۱۰۵}

به اعتقاد پودره و بسون، راه حل موضوع صرفاً وابسته به بررسی دقیق تصمیم دادگاه مبدا است. چنانچه حکم دادگاه مبدا به نحو آشکار با قانون داوری مقرر سازگار باشد، قاضی اجراکننده‌ی رای باید آن را نادیده گرفته و دستور شناسایی و اجرای رای داوری را صادر نماید.^{۱۰۶}

101. Poudret & Besson, *op. cit.*, p. 854.

102. International Standard Annulment (ISA).

۱۰۳. مانند مبانی مذکور در ماده‌ی ۳۴ قانون نمونه آنستیرال و ماده‌ی ۵ کنوانسیون نیویورک.

104. Local Standard Annulment (LSA).

105. Paulsson, "Enforcing Arbitral Awards ...", *op. cit.*, p. 30.

106. Poudret & Besson, *op. cit.*, para. 930, p. 855.

نتیجه‌گیری

نظام حقوقی فرانسه با روی کرد سلب اثر فراسرزمینی احکام ابطال آرای داوری و لذا اجرای آرای داوری ابطال شده هماهنگ است. از یک طرف به موجب قانون آیین دادرسی مدنی این کشور و از طرف دیگر بر طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی لازم‌الاجرا در این کشور، ابطال رای داوری در دادگاه کشور مبدأ، مبنای امتناع از شناسایی و اجرای رای نبوده و مانع اجرا نیست. رویه‌ی قضایی نیز بر اساس مبانی حقوقی و قانونی مزبور، در راستای اجرای آرای ابطال شده گام برداشته و استوار شده است. البته دادگاه‌های فرانسه در مقام اجرای آرای داوری ابطال شده، از استناد صرف به قوانین و کنوانسیون‌ها فراتر رفته و استدلال‌های دیگری را در مقام توجیه نظر خود ارایه داده‌اند.

بر این اساس حرکت رویه‌ی قضایی فرانسه بر مبنای منطق حقوقی و استدلال حقوقی صحیح قرار گرفته است؛ هرچند ممکن است از نظر سازگاری با نظام بین‌المللی داوری و مصالح دیگر ایراداتی بر آن وارد باشد.

منابع

1. Albert Jan Van Den Berg, "Enforcement of Annulled Awards?", in: ICC Bulletin, Vol. 9, No. 2, 1998.
2. Albert Jan Van Den Berg, "Annulment of Award In International Arbitration", in: Richard B. Lillich & Charles N. Brower (eds.), International Arbitration in the 21st Century: Towards Judicialization and Uniformity?, Twelfth Sokol Colloquium, Trasnational Publishers Inc., New York, 1994.
3. Albert Jan Van Den Berg, The New York Arbitration Convention of 1958: Toward a Uniform Judicial Interpretation, Kluwer Law and Taxation Publishers, Deventer/Netherlands, 1981.
4. Freyer, Dana, "The Enforcement of Awards Affected by Judicial Orders of Annulment at the Place of Arbitration", in: [Emmanuel Gaillard](#) and [Domenico di Pietro](#) (eds.), Enforcement of Arbitration Agreements and International Arbitral Awards: The New York Convention in Practice, Cameron May Ltd., U.K., May 2008, (757-786).
5. Haravon, Michael, "Enforcement of Annulled Foreign Arbitral Awards: The French Supreme Court Confirms the Hilmarton Trend", in: MEALEY'S International Arbitration Report, Vol. 22, No. 9, September 2007.
6. Gaillard, Emmanuel, "The Enforcement of Awards Set Aside in the Country of Origin", in: ICSID Review: Foreign Investment Law Journal, Vol. 14, 1999.
7. Gaillard, Emmanuel, & Savage John, (eds.), Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial Arbitration, Kluwer Law International, Netherland, 1999.

8. Gharavi, Hamid G., *The International Effectiveness of the Annulment of an Arbitral Award*, Kluwer Law International, Netherland, the Hague, 2002.
9. Kenneth, R. Davis, "Unconventional Wisdom: A New Look at Articles V and VII of the Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards", in: *Texas International Law Journal*, Vol. 37, 2002.
10. Leurent, B., "Reflections on the International Effectiveness of Arbitration Award", in: *Arbitration International*, Vol. 12, No. 3, 1996.
11. Park, William W., "Duty and Discretion in International Arbitration", in: *American Journal of International Law*, Vol. 93, 1999.
12. Paulsson, Jan, "May or Must under the New York Convention: An Exercise in Syntax and Linguistics", in: *Arbitration International*, Vol. 14, No. 2, 1998.
13. Poudret, Jean-francois, & Besson, Sebastien, *Comparative Law of International Arbitration*, Second edition, translated in English by Stephen V. Berti & Annette Ponti, THOMSON: Sweet & Maxwell, London, 2007.
14. Paulsson, Jan, "Enforcing Arbitral Awards Notwithstanding a Local Standard Annulment (LSA)", in: *ICC Bulletin*, Vol. 9, No. 1, 1998.
15. Roy, Goode, "The Role of the Lex loci Arbitri in International Commercial Arbitration", in: *Arbitration International*, Vol. 17, No. 1, 2001.
16. Rene' David, *Arbitration in International Trade*, Kluwer Law and Taxation Publishers, 1985.
17. Sampliner, G. H., "Enforcement of Nullified Foreign Arbitral Awards: Chromalloy Revisited", in: *Journal of International Arbitration*, Vol. 14, No. 3, 1997.
18. Schwartz, E., "A Comment on Chromalloy-Hilmarton, à l'américaine", in: *Journal of International Arbitration*, Vol. 14, No. 2, 1997.

19. Stockholm International Arbitration Review, Vol. 3, 2005.

۲۰. اسماعیل‌پور فداکار، شاهین، "اجرای آرای داوری خارجی ابطال شده در کشور محل صدور"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.

۲۱. جنیدی، لعیا، "مسأله اجرای آرای داوری ابطال شده"، در: فصلنامه حقوق، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره‌ی ۳۸، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۸۷.